

# اصحاب اجماع

## قسمت دوم

ناصر باقری بیدهندی



در نوبت اول، شش تن از اصحاب اجماع (زراره، محمد بن مسلم، فضیل بن یسار، یزید بن معاویه عجلئ، ابو بصیر، معروف بن خربوذ) معرفی شدند؛ اینک اصحاب دیگر:

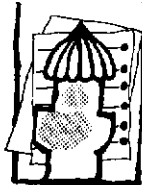
### جمیل بن درّاج کوفی (زنده قبل از ۲۰۳هـ-ق)

ابو علی/ ابو محمد نخعی،<sup>۱</sup> از راویان و محدثان شیعه است که از اصحاب اجماع - بلکه افقه اصحاب امام صادق (ع) - به شمار آمده است.<sup>۲</sup> وی از یاران امام موسی کاظم (ع) نیز بوده است.<sup>۳</sup>

۱. ابن فضال، کنیه وی را «ابو محمد» می داند. (ر.ک: رجال النجاشی، چاپ جامعه مدرسین، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸)

۲. رجال الطوسی، شیخ طوسی، تصحیح حسن مصطفوی، ص ۳۷۵، ش ۷۰۵ و نیز بنگرید به شماره های ۴۶۷ و ۴۶۸

۳. رجال الطوسی، چاپ جامعه مدرسین، ص ۱۷۶، ش ۲۱۰۱ (از اصحاب امام صادق-ع) و ص ۳۳۳، ش ۴۹۶۴ (از اصحاب امام کاظم-ع)؛ رجال النجاشی، ص ۱۲۶؛ خلاصه الاقوال، تحقیق نشر الفقاهة، ص ۹۲، ش ۲۰۹



صاحب «معجم رجال الحدیث»، روایاتی را که وی از معصوم (امامان باقر، صادق، موسی، رضا-علیهم السلام) نقل کرده است، به ۲۳۹ مورد می‌رساند.<sup>۴</sup>

وی از کسانی چون: ابوبصیر، ابان بن تغلب، زراره، محمد بن مسلم، فضیل بن یسار و... روایت می‌کند و راویان او نیز بسیارند؛ محدثانی چون: ابن ابی عمیر، حسن بن محبوب، صالح بن عقبه، ابو مالک حضرمی، صفوان بن یحیی، حماد بن عثمان و...<sup>۵</sup>

وی، دانشمند فروتنی بوده است. این حقیقت، از گفتگوی ابن ابی عمیر با او معلوم می‌گردد. ابن ابی عمیر می‌گوید:

به جمیل گفتم: محضر درس تو چه باشکوه برقرار است! گفت: آری؛ به خدا سوگند، مانند زرارة بن اعین، جز به منزلهٔ کودکان مکتبی که اطراف معلمشان باشند، نبودیم.<sup>۶</sup>

جمیل، در میدان عبادت و تقوا نیز مقامی منیع داشته و سجده‌های طولانی او زبانزد خاص و عام بوده<sup>۷</sup> و در علوم زمان خود، تبخر و نزد محدثان، منزلتی رفیع داشته است. وی با اینکه از نظر مالی وضع چندان خوبی نداشت، از همکاری با جائران سخت پرهیز می‌کرد.

ابن درّاج، «اصل»ی داشته که گروه بسیاری آن را روایت کرده‌اند<sup>۸</sup> و نیز کتابی را با همکاری محمد بن حمران تألیف کرده که حسن بن علی بن بنت الیاس آن را روایت کرده است.<sup>۹</sup> کتاب دیگری را هم با مشارکت مرازم بن حکیم تدوین کرده که حسین بن عبیدالله آن را روایت کرده است.<sup>۱۰</sup>

ایشان، در پایان عمر با برکت خود، نابینا شد و در زمان حضرت رضا(ع) رحلت

۴. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۱۲۵

۵. همان.

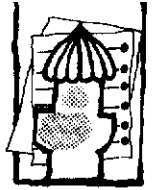
۶. رجال الکشی، ص ۱۳۴، ش ۲۱۳ و نیز رجوع شود به: ص ۱۵۴، ش ۲۵۲ و ش ۱۵۴

۷. همان، ص ۲۵۲، ش ۴۶۹ و نیز ص ۲۱۱، ش ۳۷۳

۸. رجال النجاشی، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸؛ الفهرست، شیخ طوسی، تحقیق نشر الفقه، ص ۹۴،

خلاصة الاقوال، ص ۹۲، ش ۲۰۹

۱۰ و ۹. رجال النجاشی، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸



کرد<sup>۱۱</sup> و در طارمیة، کنار دجله، مدفون شد.<sup>۱۲</sup>

### جمیل در کلام راوی شناسان

نجاشی او را این گونه ستوده است:

شیخنا و وجه الطائفة، ثقة، روی عن ابی عبداللّٰه و ابی الحسن - علیهما السلام.<sup>۱۳</sup>

شیخ طوسی، درباره وی می گوید:

له اصل و هو ثقة.<sup>۱۴</sup>

کشّی، او را از اصحاب اجماع دانسته و روایاتی در مدح و منزلت والا و وثاقتش نقل کرده است.<sup>۱۵</sup> و از ثعلبة بن میمون (ابواسحاق فقیه) نقل می کند که او فقاہت جمیل بن درّاج را بر عبداللّٰه بن مسکان، عبداللّٰه بن بکیر، حمّاد بن عیسی، حمّاد بن عثمان و ابان بن عثمان، ترجیح می دهد.<sup>۱۶</sup>

در «الفائق» آمده است:

... من ثقات محدثی و فقهاء و وجوه الامامية وله كتاب.<sup>۱۷</sup>

محدث قمی درباره او گفته است: *توقیر علوم راوی*

ثقة جلیل القدر و وجه الطائفة، از اصحاب حضرت صادق (ع) و موسی (ع) و از

اصحاب اجماع است.<sup>۱۸</sup>

۱۱. خلاصة الاقوال، ص ۹۲، ش ۲۰۹

۱۲. تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۳۲

۱۳. رجال النجاشی، ص ۱۲۶، ش ۳۲۸

۱۴. الفهرست، ص ۹۴، ش ۱۵۴

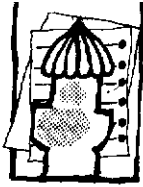
۱۵. رجال الکشی، شماره های ۲۱۳، ۲۵۲، ۳۷۳، ۴۶۷، ۴۶۹ و ۷۰۵

۱۶. همان، ص ۳۷۵، ش ۷۰۵

۱۷. الفائق، ج ۱، ص ۲۰۹

۱۸. تحفة الاحیاب فی نوادر آثار الاصحاب، شیخ عباس قمی، دارالکتب الاسلامیة، ص ۷۳

برای اطلاع بیشتر از شرح حال جمیل بن درّاج، رجوع شود به: اتقان المقال، ص ۳۵؛



ابان بن عثمان أحمَر بَجَلِي<sup>۱۹</sup>

فقیه، ادیب، نسّابه و مورخی آشنا به اخبار شعرا و آیام عرب و از اصحاب و شاگردان امامان صادق و کاظم - علیهما السلام - بوده و از آن دو امام همام، روایت نقل می کند. <sup>۲۰</sup> کشی، او را فقیه و از اصحاب اجماع می داند. <sup>۲۱</sup>

محمد بن ابی عمیر می گوید: ابان از همه انسانها بیشتر حافظ حدیث بوده است. <sup>۲۲</sup> حافظه این محقق، چنان قوی بوده است که برای حفظ هر کتابی، یک بار مطالعه آن برایش کافی بوده و پس از آن، کل کتاب را بدون یک حرف پس و پیش، تکرار می کرده است.

شماری از مشایخ او عبارت انداز: زرارة بن اعین، اسحاق بن عمّار، ابان بن تغلب،

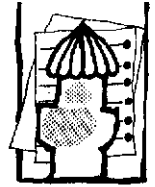
أضبط المقال، ص ۴۹۲؛ اعیان الشیعة، ج ۴، ص ۲۲۰؛ ایضاح الاشتباه، ص ۲۱؛ الاختصاص، ص ۶۴، ۲۰۵، ۲۸۰ و ۲۸۱؛ أحسن التراجم، ج ۱، ص ۱۲۴؛ شرح مشیخة الفقیه، ص ۱۷؛ بهجة الآمال، ج ۲، ص ۵۸۵؛ التحریر الطاوسی، ص ۷۰؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۳۱؛ توضیح الاشتباه، ص ۹۷؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۶۵؛ جامع المقال، ص ۵۹؛ خاتمة مستدرک، ص ۵۸۵، ۵۹۲ و ۶۰۹؛ رجال البرقی، ص ۲۱؛ الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۲۷۲ (در ترجمه ابن درّاج اندلسی)؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۵۰؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۷۴؛ نقد الرجال، ص ۷۶؛ هدایة المحدثین، ص ۳۱؛ الوجیزة مجلسی، ص ۳۰؛ رجال الأنصاری، ص ۵۵ و ۷۶؛ ثقات الرواة، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ منهج المقال، ص ۸۷؛ منتهی المقال، ص ۸۲؛ سفینة البحار، ج ۱، ص ۱۸۱

۱۹. از ابان بن عثمان، با نامهای دیگری نیز در کتب رجال و در اسناد روایات یاد شده است: ابان بن الاحمر، ابان الاحمر، ابان الاحمری (ر. ک به: معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۷ به بعد؛ رجال الکشی، ص ۳۴۸، ش ۶۵۰).

۲۰. رجال النجاشی، ص ۱۳، شماره ۸؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۵۹، شماره ۶۲. البته شیخ طوسی در کتاب رجال خود (رجال الطوسی، ص ۱۶۴، ش ۱۸۸۶) از وی فقط در اصحاب امام صادق(ع) نام می برد.

۲۱. رجال الکشی، ص ۳۷۵، ش ۷۰۵

۲۲. لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۴



معاویة بن عمار، ابوبصیر، فضیل بن یسار، بشیر نبال، زید شحام، صفوان بن مهران جمال و محمد بن مسلم.

بزرگانی چون: ابن ابی عمیر و بزئطی، و از بصریان: ابو عبیده معمر بن مثنی، ابو عبدالله بن مثنی و ابو عبدالله محمد بن سلام عجمی نیز از او اخذ روایت کرده اند. افزون بر روایات بسیار و پراکنده ابان بن عثمان در کتب حدیث امامیه، آثاری را نیز از وی نام می‌برند که از این قرارند: المبتدأ، المبعث، المغازی، الوفاة، السقیفة والرذة. وی این شش کتاب را در یک جلد گرد آورده؛<sup>۲۳</sup> ولی متأسفانه جملگی از میان رفته است. اخیراً پراکنده‌های کتاب‌های: المبعث، المغازی، الوفاة، السقیفة والرذة، به کوشش آقای رسول جعفریان، از نصوص مختلف استخراج و توسط دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم منتشر شده است.



### نسبتی ناروا

برخی چون ابن فضال فَطْحی مذهب، نسبت ناروایی به این راوی داده<sup>۲۴</sup> و او را از ناووسیه<sup>۲۵</sup> دانسته‌اند. این اتهام، برای نخستین بار در کتاب «رجال الکشی» مطرح گردید<sup>۲۶</sup> و از آنجا به برخی از کتاب‌ها راه یافت؛ اما با مراجعه به مجامع روایی، درمی‌یابیم که او از امام موسی بن جعفر(ع) روایت نقل کرده و نیز روایاتی نقل می‌کند که امامان معصوم را دوازده تن معرفی کرده است<sup>۲۷</sup> و این با ناووسی بودن او سازگاری ندارد. بنابراین،

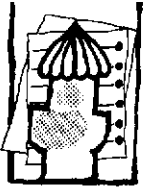
۲۳. الفهرست، ص ۵۹، ش ۶۲. نجاشی، تنها از چهار کتاب وی نام می‌برد: له کتاب حسن کبیر یجمع المبتدأ، المغازی، الوفاة والرذة. (رجال النجاشی، ص ۱۳، ش ۸)

۲۴. نهاية الدراية، ص ۴۰۷

۲۵. فرقه‌ای از شیعه که امامت را بر امام جعفر صادق(ع) ختم می‌کنند و او را زنده و مهدی موعود می‌دانند. این فرقه باطله به رهبری عبدالله بن ناووس یا عجلان بن ناووس به وجود آمد و امروزه به طور کلی از بین رفته است.

۲۶. رجال الکشی، ص ۳۵۲، ش ۶۶۰

۲۷. قاموس الرجال، ج ۱، ص ۸۴؛ معجم رجال الحديث، ج ۱، ص ۳



همان گونه که در پاره ای از نقلها - از جمله نسخه ای از «رجال الکشی» که در اختیار محقق اردبیلی بوده<sup>۲۸</sup> - آمده و مقرون به صحت هم هست، به جای «ناووسیه»، «قادسیه» صحیح است و همین تبدیل، منشأ چنین نسبت ناصوابی شده است. با توجه به احتمالی که بعضی محققان درباره مخلوط بودن نسخ کُشی داده اند، احتمال صحت نسخه بدلها، صحیح به نظر می رسد؛ خصوصاً که خود کُشی، ابان را در شمار اصحاب اجماع ذکر کرده است.<sup>۲۹</sup>

علامه سید محسن امین نیز به استناد اقوال بزرگان و اجماع منقول و مقبول القول بودن او نزد فقهای شیعه، این نسبت (ناووسی مذهب بودن ابان) را رد نموده است.<sup>۳۰</sup>

علامه حلی نیز در کتاب خود، کلماتی در حق او دارد که با هم ناسازگارند؛<sup>۳۱</sup> زیرا گاهی او را فَطْحی<sup>۳۲</sup>، و گاهی واقفی<sup>۳۳</sup> و گاهی ناووسی قلمداد کرده است؛ در حالی که این فرمایش، هیچ گونه دلیل و برهانی ندارد و نجاشی و شیخ، به این اتهام، اشاره نکرده اند و شاید ایشان (علامه) به هنگام نوشتن مطالبی درباره گرایش مذهبی ابان، به

۲۸. ر.ک: بهجة الآمال، ج ۱، ص ۲۹۴. مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی

۲۹. رجوع شود به پانوش ۲۱

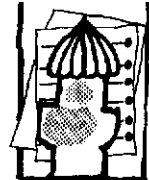
۳۰. البحر الزخار فی شرح احادیث الائمة الاطهار، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۸

۳۱. خلاصة الاقوال، ص ۷۴، ش ۱۲۱ و ص ۴۳۸ (الفائدة الثامنة)، طریق الشیخ الصدوق عن ابی مریم

الانصاری؛ بهجة الآمال، ج ۱، ص ۱۹۵

۳۲. فَطْحی، فرقه ای هستند که امامان معصوم را تا حضرت صادق (ع) قبول دارند؛ ولی معتقدند که پس از حضرت، فرزند بزرگ حضرت (عبدالله افطح) جانشین ایشان است. این فرقه هم به طور کلی از بین رفته است. (نک: معجم الفرق الاسلامیة، ص ۴۱ و ۱۸۴؛ کلیات فی علم الرجال، ص ۴۰۱)

۳۳. واقفیه، فرقه ای هستند که رحلت حضرت موسی بن جعفر (ع) را انکار و بر امامت حضرت موسی بن جعفر (ع) توقف کردند و آن حضرت را قائم و مهدی منتظر دانستند که زنده است و تا دنیا را پر از عدل و داد نماید، رحلت نخواهد کرد. به اینان، موسویه و مبطوره نیز می گویند (نک: معجم الفرق الاسلامیة، ص ۲۳۸ و ۲۴۰). دسته دیگری از آنها بر امامت حضرت رضا (ع) توقف نمودند و گفتند آن امام، مهدی منتظر است (نک: معجم الفرق الاسلامیة، ص ۲۶۹).



حافظه خود اتکا کرده و چون در ذهن ایشان این بوده که او مذهب ناووسی داشته، به جاوی ناووسی، وی را واقفی و یا فطحی معرفی کرده است.

در تاریخ وفات ابان بن عثمان اختلاف است؛ ظاهراً در حدود سال ۲۰۰ قمری از دنیا رفته است. ۳۴

### عبدالله بن بُکیر بن اَعین شیبانی

ایشان، یکی از ستارگان درخشان خاندان عریق و اصیل «آل اعین» است<sup>۳۵</sup> که به فقه و وثاقتش اعتراف شده و او را از اصحاب اجماع می دانند.<sup>۳۶</sup> وی، فطحی مذهب است؛ اما در وثاقت او تردیدی نشده است. ۳۷

علامه حلی می گوید:

من به روایت های او (عبدالله بن بکیر) اعتماد می کنم؛ اگرچه فاسد المذهب

است. ۳۸

شیخ الطائفه می نویسد:

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

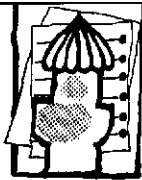
۳۴. برای آگاهی بیشتر از شرح حال ابان بن عثمان، رجوع کنید به: اضبط المقال، ص ۴۸۳؛ الاعلام، ج ۱، ص ۲۷؛ اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۰۰؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۲۵؛ بهجة الآمال، ج ۱، ص ۴۹۵؛ تاسیس الشیعة، ص ۱۵۴ و ۲۳۵؛ التحریر الطاوسی، ص ۴۹؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۵؛ تهذیب المقال، ج ۱، ص ۲۱۹؛ توضیح الاشتباه، ص ۵؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۲؛ جامع المقال، ص ۵۲؛ خاتمة مستدرک، ص ۶۹۷، ۶۹۸ و ۷۸۹؛ رجال البرقی، ص ۳۹؛ رجال ابن داوود، ص ۳۰؛ مجمع الرجال، ج ۱، ص ۲۴ و ۲۷؛ معالم العلماء، ص ۲۷؛ معجم الثقات، ص ۲؛ معجم المؤلفین، ج ۱، ص ۱؛ منتهی المقال، ص ۱۷؛ نقد الرجال، ص ۴؛ هداية المحدثین، ص ۷؛ الوجيزة، ص ۲۵؛ وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۱۷

۳۵. رساله ابی غالب الزراری، تحقیق سید محمد رضا حسینی جلالی، ص ۲۱۴، ش ۳۹

۳۶. رجال الکشی، ص ۳۴۵، ش ۶۳۹ و ص ۳۷۵، ش ۷۰۵

۳۷. همان؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۷۳، ش ۴۶۳؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۹۵، ش ۶۰۹

۳۸. خلاصة الاقوال، ص ۱۹۵، ش ۶۰۹ و نیز بنگرید به: المختلف، ج ۲، ص ۴۹۷



طائفة شیعہ به اخبار فطحی ها، مثل عبدالله بن بکیر و ... عمل کرده اند. ۳۹

البته گفتنی است که برخی از فقها، چون شهید ثانی<sup>۴۰</sup> و محقق حلی<sup>۴۱</sup>، روایت های

او را به دلیل فطحی بودن وی نپذیرفته اند.

عبدالله بن بکیر بن اعین، کثیر الحدیث و کثیر الروایه بوده است. ۴۲ شیخ طوسی و

نجاشی برای او کتابی ذکر کرده اند؛ ۴۳ و نیز ابن ندیم می نویسد که وی کتابی در اصول

داشته است. ۴۴ ابن عقده، مسند عبدالله بن بکیر را نوشته است. ۴۵ شیخ مفید، او را از

فقهای بزرگی می داند که حلال و حرام الهی و فتاوا و احکام از آنها اخذ می شود و موردی

برای طعن و ذمّشان نیست. ۴۶

مشایخ وی، بزرگانی هستند چون: پدرش (بکیر بن اعین)، عمویش (زرارة بن

اعین)، حمزة بن حمران، حمران بن اعین، عبید بن زرارة، حفص بن ابی عیسی؛ ۴۷ و

جمع کثیری نیز از وی روایت می کنند که از آن جمله اند: ابن ابی عمیر، صفوان بن

یحیی، حسن بن محبوب، علی بن اسباط، حسن بن فضال، فضالة بن ایوب، عبدالله بن

مغیره، جعفر بن بشیر، عباس بن عامر، علی بن رثاب، علاء بن رزین، عبدالرحمان بن

ابی نجران، عبدالله بن جبلة، عبدالله بن حمّاد انصاری، مروان بن مسلم، موسی بن

قاسم، نصر بن سويد صیرفی، زیاد بن مروان قندی و ... ۴۸

۳۹. عدّة الاصول، ص ۵۶

۴۰. المسالك، ج ۱، ص ۲۳

۴۱. المعتمر، ص ۱۵۶ و ۶۰

۴۲. رجال النجاشی، ص ۲۲۲، ش ۵۸۱؛ رسالة ابی غالب، ص ۲۱۴، ش ۳۹

۴۳. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۷۴؛ رجال النجاشی، ص ۲۲۲

۴۴. الفهرست، ابن ندیم، تحقیق: یوسف علی طویل، بیروت، دارالکتب العلمیة، ص ۳۳۱

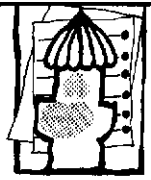
۴۵. رسالة ابی غالب، ص ۲۱۵

۴۶. بنگرید به: مصنفات شیخ مفید، ج ۹ (جوابات اهل موصل فی العدد والرؤية)، ص ۲۵ و ۲۷

۴۷. ر. ک به: معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۱۳۳

۴۸. همان.





عبدالله، سه پسر به نامهای حسّان (محمد)، حسن و علی داشت که در زمره عالمان بوده‌اند. ۴۹

### عبدالله بن مسکان

ابو محمد عبدالله بن مسکان از راویان بزرگ و محدثان عالی قدر و مورد وثوق و از اجلة اصحاب حضرت صادق و امام موسی بن جعفر (ع) است. ۵۰ با اینکه وی از راویان پرکار امام صادق (ع) است، مع هذا از امام صادق (ع) به طور مستقیم، جز بیست روایت نقل نکرده است و بیشتر احادیث را از طریق اصحاب و یاران امام صادق (ع) نقل می‌کند. در علت این امر نوشته‌اند که او از ترس آنکه نتواند حق احترام آن حضرت را به جا آورد، شخصاً به خدمت حضرتش نمی‌رسید؛ بلکه سوالات مردم را از طریق دوستان خود به خدمت حضرت می‌فرستاد تا پاسخ بگیرند و پس از مراجعت یاران خود، احادیث آنان را اخذ و یادداشت می‌نمود. ۵۱

راوی شناس معروف، نجاشی، او را ثقه و عین معرفی کرده است. ۵۲ علامه حلی نیز او را به همین نحو ستوده است. ۵۳ شیخ مفید در «رساله عددیه» خود، ایشان را از فقهای

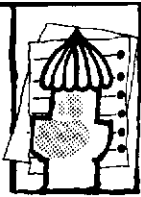
۴۹. برای اطلاع بیشتر درباره شرح حال عبدالله بن بکیر، به منابع ذیل رجوع کنید: تحفة الاحباب، ص ۲۵۸؛ رجال الطوسی، ص ۲۳۰، ش ۳۱۱۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۷۱ و ۱۷۳، ج ۳، ص ۴۲؛ رجال ابن داوود، ص ۱۱۷ و ۲۵۳؛ مستطرفات السرائر، ص ۱۳۷-۱۳۹؛ الغيبة، شیخ طوسی، ص ۳۷؛ معجم الثقات، ص ۷۲؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۲، ص ۱۶۰ و ۱۶۹؛ نقد الرجال، ص ۱۹۵ و ۴۰۳؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۳ و ج ۲، ص ۴۳۱؛ هداية المحدثین، ص ۲۲؛ مجمع الرجال، ج ۳، ص ۲۶۸ و ۲۶۹ و ج ۷، ص ۱۲۰؛ أعيان الشيعة، ج ۸، ص ۴۸؛ بهجة الآمال، ج ۵، ص ۲۰۳؛ منتهی المقال، ص ۱۸۲؛ منهج المقال، ص ۲۰۰؛ اتقان المقال، ص ۸۰؛ التحریر الطاووسی، ص ۱۶۸؛ وسائل الشيعة، ج ۲۰، ص ۲۳۳

۵۰. ر. ک به: رجال الکشی، ص ۳۷۵، ش ۷۰۵

۵۱. همان، ص ۳۸۲، ش ۷۱۶

۵۲. رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۹

۵۳. خلاصة الاقوال، ص ۱۹۴، ش ۶۰۷



اصحاب صادقین (ع) و رؤسای شیعه که صاحب فتوا در احکام الهی هستند، معرفی کرده و افزوده که موردی برای ظن و ذمّ او وجود ندارد. ۵۴

محدّث قمی درباره وی می نویسد:

از اصحاب جلیل القدر حضرت امام صادق (ع) به شمار می رفت. وی یکی از

آن اشخاصی محسوب می شود که گروه شیعه بر تصحیح آنچه که از او روایت

شده باشد، اجماع و اتفاق دارند. ۵۵

نام شریفش در ۱۲۵۲ مورد از اسناد روایات واقع شده است و راویان بسیاری از او

اخذ حدیث کرده اند، از جمله: محمد بن ابی عمیر، صفوان بن یحیی و محمد بن

سنان. ۵۶

ابن مسکان، نگاشته های چندی داشته، از جمله کتابی در «امامت» و کتابی در

«حلال و حرام». ۵۷

وی تا قبل از سال ۲۰۳ قمری، در قید حیات بوده است. ۵۸

۵۴. ر. ک به: معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۴۸

۵۵. الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۳۹۵

۵۶. معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۵۲

۵۷. رجال النجاشی، ص ۲۱۴، ش ۵۵۹

۵۸. برای اطلاع از شرح حال او، به منابع ذیل رجوع شود: اتقان المقال، ص ۸۴؛ احسن التراجیم، ج ۱،

ص ۳۷۷؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۹۴؛ سفینة البحار، چاپ جدید، ج ۲، ص ۱۳۸ و ج ۶، ص ۸۲؛

اضبط المقال، ص ۵۲۶؛ ایضاح الاشتباه، ص ۶۱؛ بهجة الأمال، ج ۵، ص ۲۸۵؛ التحریر

الطاووسی، ص ۱۶۸؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۱۶ و ۳ و باب الکنی، ص ۴۴؛ رجال البرقی،

ص ۲۲؛ رجال ابن داوود، ص ۱۲۴؛ رجال الطوسی، ص ۲۶۴، ش ۳۷۷۴؛ ریحانة الأدب، ج ۸،

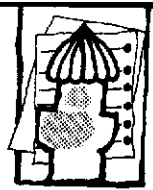
ص ۲۰۶؛ ریاض العلماء، ج ۲، ص ۲۶۰؛ مجمع الرجال، ج ۴، ص ۵۲ و ۵۳ و ج ۷، ص ۱۶۶؛

معالم العلماء، ص ۷۴؛ معجم الثقات، ص ۷۵؛ معجم رجال الحدیث، ج ۲۳، ص ۳۱؛ منتهی

المقال، ص ۱۹۲؛ منهج المقال، ص ۲۱۲؛ نقد الرجال، ص ۲۰۷ و ۴۰۵؛ هداية المحدثین، ص ۱۰۴

و ۳۰۹؛ هدية الاحباب، ص ۸۷؛ الوجيزة، ص ۳۹؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۲۴۴؛ شرح مشیخة

الفقیه، ص ۵۸؛ رجال الأنصاری، ص ۱۱۲، جامع المقال، ص ۷۸؛ نضد الايضاح، ص ۱۹۶



حمّاد بن عیسی بن عبیده کوفی بصری

ابو محمد جهّنی، از اصحاب امامان صادق، کاظم، رضا و جواد(ع) است، اما به تصدیق علمای رجال، او از این بزرگواران جز در مواردی محدود، نقل روایت ندارد. در این مورد، نجاشی می نویسد:

از حمّاد، روایتی از امام رضا و امام جواد(ع) به ثبت نرسیده است. ۵۹

در مورد امام صادق(ع) نیز با آنکه حمّاد معاصر آن حضرت بوده، ولی بیشتر روایات خود را با واسطه عبدالله بن مغیره و عبدالله بن سنان از آن بزرگوار نقل کرده است. ۶۰  
حمّاد خود می گوید:

من و عبّاد بن صُهیب بصری، دوستان حدیث از ابو عبدالله صادق(ع) شنیدیم. عبّاد همه را به خاطر سپرد و برای دیگران بازگو می کرد؛ اما من تنها هفتاد حدیث را به خاطر سپردم؛ لکن بعدها نسبت به پنجاه حدیث آن دچار تردید و شک شدم و هم اینک به نقل بیست حدیث که به صحّت آن از امام صادق(ع) اطمینان دارم، بسنده می کنم. ۶۱

بنابراین، ایشان در نقل روایت و انتساب آن به اهل بیت پیامبر(ص) بسیار محتاط و دقیق بوده است. اخیراً یکی از معاصران بر صحیحۀ بیانیۀ حمّاد که در بحث نماز معروف است، مناقشه ای وارد کرده ۶۲ که بزرگانی چون استاد جعفر سبحانی و استاد غلامرضا عرفانیان به آن پاسخ داده اند. ۶۳

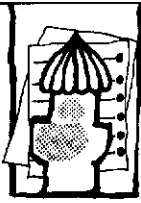
۵۹. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰

۶۰. همان.

۶۱. رجال الکشی، ص ۳۱۶، ش ۵۷۱

۶۲. ر. ک: معرفة الحدیث، محمد باقر بهبودی، ص ۳ (مقدمه کتاب). این روایت در منابع فراوانی آمده است (از جمله نک: فروع الکافی، ج ۳، ص ۳۱۳-۳۱۵، ح ۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۷۷، ح ۶۹).

۶۳. جامع الشرائع، ابن سعید حلّی، ص ۱۶ از مقدمۀ کتاب (پاسخ استاد جعفر سبحانی)؛ مشایخ الثقات، حلقه ثانیه، ص ۸۷ (پاسخ استاد عرفانیان).



گویند امام موسی بن جعفر (ع) در حق حماد دعا کرد و به برکت آن، وی پنجاه سفر حج به جسا آورد. <sup>۶۴</sup> شیخ طوسی، حماد را ثقه می داند و سه کتاب (النوادر، الزکاة، الصلاة) از وی نام می برد. <sup>۶۵</sup>

نجاشی، رجالی معروف سده پنجم، درباره او می نویسد:  
وكان ثقة في حديثه صدوقاً. <sup>۶۶</sup>

علامه شهیر سید عبدالحسین شرف الدین عاملی می نویسد:

ابو علی در کتاب خود «منتهی المقال» از او یاد کرده است و حسن بن علی بن داوود در کتاب «مختصر» - که به شرح حال رجال اختصاص دارد - به شرح حال او پرداخته است. همه نویسندگان فهرست ها و معاجم رجالی، وی را از علمای شیعه خوانده اند و از ثقات و افراد متقن و از اصحاب ائمه هدی (ع) بر شمرده اند ...

ذهبی در کتابش (میزان الاعتدال)، نام وی را ذکر کرده و علامت «ت ق» را - که اشاره به افرادی از نویسندگان سنن است که احادیث وی را نقل کرده اند - کنار اسم او قرار داده و گفته است که وی در سال ۲۰۸ غرق گردید و از امام صادق (ع) روایت نقل می کند. آنگاه به او حمله کرده، مطالب ناجوری به او نسبت داده است؛ گویانکه هر کس به خاطر تشیعش او را ضعیف شمرده، به او حمله کرده است.

و تعجب از «دارقطنی» است که او را ضعیف می شمارد؛ ولی خودش به احادیث او استدلال می کند. و كذلك يفعلون: آری، شیوه آنها چنین است. <sup>۶۷</sup>

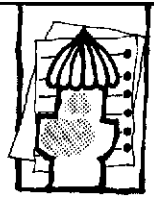
محدث قمی می نویسد:

۶۴. سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۱۱۶

۶۵. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۱۵، ش ۲۴۱

۶۶. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰

۶۷. المراجعات، به تحقیق و تعلیق حسین الراضی، ص ۱۲۲ و ۱۲۳



حمّاد بن عیسی از اصحاب اجماع است و زمان چهار امام معصوم را درک

کرده ... و در حدیث، محتاط بوده ... ۶۸.

حمّاد، تالیفاتی داشته است از جمله کتابهای: الصلاة، الزکاة، النوادر، و منافع

الاعضاء، که دانشمندان شیعه آنها را به اسناد متصل از او نقل می کنند. ۶۹

صاحب «مجالس المؤمنین»، کتابی در توحید و کتابی در حدیث نیز برای حمّاد ذکر

کرده است. ۷۰.

نام شریف این راوی بزرگوار، در اسناد ۱۰۳۶ روایت وارد شده است، ۷۱ و روایاتی

که به مباشرت از امام(ع) از او در کتب اربعه ثبت شده است، براساس نقل «مفتاح الکتب

الاربعه»، ۴۹ حدیث است. ۷۲.

راویان بسیاری از او نقل حدیث می کنند، از جمله: حسین بن سعید، اسماعیل بن

سهل، سلمان بن سیف حرّاء و محمد بن خالد برّقی.

حمّاد در سال ۲۰۷ یا ۲۰۸ یا ۲۰۹ در حالی که برای انجام غسل احرام به میان

رودخانه رفته بود، غرق شد و به لقاءالله پیوست. غلامانش با زحمت زیاد، کالبد بی جان

او را از آب گرفتند و در «سئّاله»<sup>۷۵</sup> او را دفن کردند. ۷۶.

۶۸. تحفة الاحباب، ص ۱۱۵

۶۹. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰؛ الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۱۵، ش ۲۴۱

۷۰. مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۳۷۶ (مجلس پنجم).

۷۱. احسن التراجم، ج ۱، ص ۱۹۸؛ بحوث فی علم الرجال، ص ۱۰۵

۷۲. مفتاح الکتب الاربعه، ج ۱۰، ص ۳۰۲ و نیز مستدرک آن.

۷۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۳۷۰

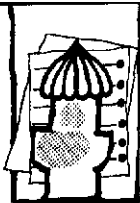
۷۴. رجال الکشی، ص ۳۱۶، ش ۵۷۲

۷۵. اول منزلی که اهالی مدینه وقتی به مکه می روند، بر آن وارد می شوند.

۷۶. رجوع شود به پاورقی ۷۴ و ۷۵ و نیز برای آگاهی بیشتر از شرح حال حمّاد بن عیسی، بنگرید به:

اتقان المقال، ص ۵۴؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۱۹۸؛ اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۲۱؛ بهجة الآمال،

ج ۲، ص ۳۶۲؛ التحریرالطاووسی، ص ۸۲؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۳۶۶؛ جامع الرواة،



## حمّاد بن عثمان

راویِ وجیه و مورد وثوقی است که بزرگان علم رجال به فقیه بودن و صحّت حدیث او اقرار دارند و جلالت قدر و قداست نفسش را ستوده اند. <sup>۷۷</sup> وی از امام رضا (ع) روایت می کند. <sup>۷۸</sup> نام شریفش، ۷۳۴ بار در اسناد روایات وارد شده است <sup>۷۹</sup> و بیش از پنجاه راوی از او روایت می کنند، از جمله: محمد بن ولید خزاز، حسن بن علی فضّال و عبدالرحمان اصم. حمّاد، کتابی نیز داشته است که راوی نامور، حسن بن علی بن فضّال، از وی روایت می کند. <sup>۸۰</sup>

برقی در رجال خود گوید:

حمّاد بن عثمان ناب دارای قصیده ای است که حکایتگر مرگ اوست. <sup>۸۱</sup>

برادران او، جعفر و حسین نیز فاضل و ثقة اند. صاحب «التحریر الطاووسی» درباره

حمّاد و برادرش حسین گوید:

ج ۱، ص ۲۷۳؛ جامع المقال، ص ۶۴؛ رجال البرقی، ص ۲۱ و ۴۸؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۰۵؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۳۱؛ معجم الثقات، ص ۴۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۲۲۴ و ۲۳۸؛ منتهی المقال، ص ۶۱۹؛ منهج المقال، ص ۱۲۳؛ نقد الرجال، ص ۱۱۷؛ هدیه العارفین، ج ۱، ص ۳۳۴؛ هدایة المحدثین، ص ۴۹؛ الوجیزة، ص ۳۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۸۱؛ تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۸؛ تقریب التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۷؛ معجم المؤلفین، ج ۴، ص ۷۳؛ خلاصة تهذیب الکمال، ص ۷۸؛ تهذیب الکمال، ج ۷، ص ۲۸۱؛ الجرح والتعديل، ج ۱، ص ۲ و ۱۴۵

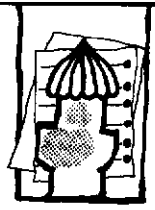
۷۷. رجال النجاشی، ص ۱۴۳؛ ش ۳۷۱؛ رجال الکشی، ص ۳۷۵؛ ش ۷۰۵؛ الفهرست، ص ۱۱۵، ش ۲۴۰

۷۸. همان، ص ۱۴۳

۷۹. ر. ک به: احسن التراجیم، ج ۱، ص ۱۹۶

۸۰. الفهرست، ص ۱۱۵، ش ۲۴۰

۸۱. رجال البرقی.



فاضلان، خیران، ثقتان. ۸۲

گفتنی است که در مورد این که حماد بن عثمان ناب بن زیاد الرواسی (م ۱۹۰ق) با حماد بن عثمان بن عمرو بن خالد فزاری عرزمی، اتحاد دارد یا تغایر، بحث است که در کتابهای مربوط، مذکور است. ۸۳

### صفوان بن یحیی کوفی (م ۲۱۰ق)

کنیه این راوی ثقه و جلیل القدر، ابو محمد بیاع السابری است. ۸۴ وی از اصحاب و یاران امامان کاظم، رضا و جواد (ع) شمرده شده است. ۸۵ او همچنین وکیل امام علی بن موسی الرضا (ع) و امام جواد (ع) در کوفه بوده ۸۶ و مسئولیت هدایت شیعیان را در کوفه به عهده داشته و از امامان رضا و جواد (ع) و حدود چهل تن از اصحاب امام صادق (ع) روایت کرده است. ۸۷ در وثاقت و عدالت این راوی، احدی شک نکرده است و کلیه کسانی که از او نام

۸۲. التحریر الطاوسی، ص ۸۳

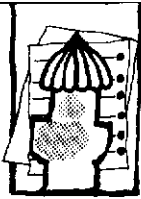
۸۳. برای آگاهی بیشتر از حالات او بنگرید به: اثقان المقال، ص ۵۲؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۲۲؛ ایضاح الاشتباه، ص ۲۶؛ بهجة الآمال، ج ۳، ص ۳۵۸؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۷۱-۲۷۳؛ رجال البرقی، ص ۲۱، ۴۸ و ۵۳؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۲۵، ش ۳۲۴ و ۳۲۵؛ رجال ابن داوود، ص ۱۸۴؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۲۲۷؛ معالم العلماء، ص ۴۳؛ مشایخ الثقات، حلقة ثانیة، ص ۸۷ به بعد؛ معجم رجال الحديث، ج ۶، ص ۲۱۲ و ۲۲۳ و ۲۴۲؛ منتهی المقال، ص ۱۱۸؛ منہج المقال، ص ۱۲۲؛ نقد الرجال، ص ۱۶۷؛ هدایة المحدثین، ص ۱۹۷ و ۱۹۵؛ الوجیزة، ص ۳۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۸۱؛ شرح مشیخة الفقیه، ص ۴۸؛ رجال الانصاری، ص ۷۱ و ۸۳؛ ثقات الرواة، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۶۴

۸۴. رجال النجاشی، ص ۱۹۶، ش ۵۲۴؛ الفهرست، ص ۱۴۵، ش ۳۵۶؛ رجال الطوسی، ص ۳۵۹، ش ۵۳۱ و ص ۳۷۶، ش ۵۵۵۹. وی پارچه فروش بوده، لذا لقب «بیاع السابری» داشته است.

۸۵. همان و نیز: رجال الطوسی، ص ۳۳۸، ش ۵۰۳۸. قابل ذکر است که شیخ، پاره‌ای از روایات را به نقل صفوان از امام صادق (ع) آورده است که بدون شک، واسطه، محذوف است؛ زیرا او امام صادق (ع) را درک نکرده است.

۸۶. رجال النجاشی، ص ۱۹۶، ش ۵۲۴

۸۷. الفهرست، ص ۱۴۶



برده اند، وی را به جلالت قدر و عظمت و شرافت و زهد و عبادت ستوده اند.

نجاشی درباره او می نویسد:

ثقة ثقة، عین. ۸۸.

شیخ طوسی می گوید:

صفوان ... موثق ترین فرد زمان خود در نزد اصحاب حدیث و عابدترینشان بوده

است؛ در شبانه روز، پنجاه رکعت نماز می خواند و در هر سال، سه ماه روزه

می گرفت و سه نوبت زکات مالش را خارج می کرد. ۸۹.

از مطلبی که نقل می شود، معلوم می گردد که صفوان مورد اعتماد کامل حضرت

رضا(ع) بوده و حضرت، وی را شخصی عادل می دانسته است:

«یکی از اهالی بغداد به نام محمد بن عیسی بن عبید بن یقین می گوید: حضرت

رضا(ع) به من فرمان داد زنی را طلاق گویم و صفوان بن یحیی را بر آن شاهد بگیرم». ۹۰.

در زهد و وارستگی صفوان، همین بس که گروهی از واقفیان از راه تطمیع وارد شدند

و پول هنگفتی را به او پیشنهاد دادند تا او را به سوی واقفیه بکشانند؛ ولی او دست رد به

سینه نامحرمان زد. امام رضا(ع) در این باره فرموده است: صفوان، هیچ گاه جاه طلب

نبوده و ریاست را دوست نداشته است. ۹۱.

از صفات دیگر وی، شدت ورع او بود که زندگی خود را بر آن بنیان نهاده بود. نقل است

که فردی در هنگام سفر، دو دینار به او داد و از او درخواست نمود تا در کوفه به خانواده اش

برساند؛ وی گفت: شترم کرایه ای است؛ در این مورد، از صاحبش اجازه می گیرم. ۹۲.

اسامی مشایخ او را در کتب اربعه شیعه، بالغ بر ۲۴۰ نفر و در کلیه منابع، بالغ بر

۸۸ . رجال النجاشی، ص ۱۹۷، ش ۵۲۴

۸۹ . الفهرست، ص ۱۴۵، ش ۳۵۶ و نیز بنگرید به: رجال النجاشی، ص ۱۹۷

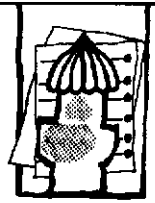
۹۰ . ر. ک به: رجال الکشی، چاپ آل البیت، ج ۲، ص ۸۱۷؛ تنقیح المقال، ج ۳، ش ۱۱۲۱۱

۹۱ . رجال الکشی، ص ۵۰۳، ش ۹۶۶؛ قاموس الرجال، ج ۵، ص ۱۲۹

۹۲ . بنگرید به: رجال النجاشی، ص ۱۹۷؛ الفهرست، ص ۱۴۶؛ نقد الرجال، ص ۱۷۳؛ سفینه البحار،

چاپ جدید، ج ۲، ص ۱۳۳





۲۲۲ نفر دانسته اند.<sup>۹۳</sup> علمای شیعه، احادیث مرسله وی را در حکم مسانید دانسته اند و به روایاتی که از راویان ضعیفی چون علی بن ابی حمزه بطائنی و یونس بن ظبیان و ابی جمیله نقل کرده نیز به دیده اعتبار می نگرند.

راویانی که از جناب ایشان روایت کرده اند، بالغ بر شصت نفرند؛ افرادی مانند: اسماعیل بن مهران، فضل بن شاذان، حسن بن علی و شاء، ایوب بن نوح بن دراج، ایوب بن عطیة، سعد بن سعد، محمد بن خالد برقی، جعفر بن عبدالله، حسین بن سعید بن حماد بن مهران اهوازی، یعقوب بن یزید.

تعداد تالیفات صفوان را سی کتاب و رساله نوشته اند که شماری از آن کتابها عبارت اند از: الآداب، التجارات، الفرائض، الصلاة، الصوم، الحج، الزکاة، النکاح، الطلاق، الشراء والبيع، العتق والتدبیر، البشارات، مسائل عن ابی الحسن موسی (ع)، الوضوء، الوصایا، المحبة والوظائف، النوادر.<sup>۹۴</sup>

شیخ طوسی به نقل از ابن ندیم، «تجارات» و «شراء» را دو تا می داند. کشتی در رجال خود می نویسد:

حضرت رضا(ع) فرمود: ... خداوند رحمت کند صفوان را! این دو تن [اسماعیل بن خطاب و صفوان بن یحیی] از حزب پدرم بودند و هر کس به حزب ما بپیوندد، خداوند او را داخل بهشت خواهد نمود.

سپس کشتی می گوید:

صفوان بن یحیی در سال ۲۱۰ق، در شهر مدینه از دنیا رفت. امام جواد(ع) حنوط و کفن خود را برای وی فرستاد و به اسماعیل بن موسی بن جعفر(ع) فرمان داد تا بر او نماز بخواند.<sup>۹۵</sup>

۹۳. مشایخ الثقات، چاپ اول، ص ۲۴۳

۹۴. رجال النجاشی، ص ۱۹۶؛ الفهرست، ص ۱۶۴ (به نقل از ابن ندیم).

۹۵. رجال الکشی، ص ۵۰۲، ش ۹۶۲. اسماعیل بن موسی از مؤلفان به شمار می رود و آثار علمی فراوانی دارد و از پدر بزرگوارش روایت می کند.



مدفن او مدینه است.

طبق نقلی، امام جواد(ع) از او به نیکی یاد کرده و از او اظهار رضایت کرده و فرموده: او هیچ گاه با من در امری مخالفت نکرد.<sup>۹۶</sup>

### عبدالله بن مغیره

کوفی و مکتبی به ابومحمد، از اصحاب امام موسی کاظم و امام رضا(ع) و از فقهای بزرگ و پارسا و پرهیزگار و از راویان بسیار موثق است که در میان معاصران خود، از نظر دیانت و پروايشگی، کم نظیر است. در کتابهای رجالی (مانند وجیزة، الحاوی، مشترکات و...) به وثاقت او تصریح شده است.

نجاشی می گوید:

ثقة ثقة، لا يعدل به أحد من جلالته و دینه و ورعه.<sup>۹۷</sup>

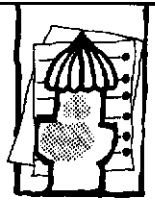
وی نخست از واقفیه بود؛ سپس مستبصر شد و امامت امام رضا(ع) را پذیرفت. خود او داستان هدایت یافتن خود را بیان کرده که در کتب رجالی مذکور است.<sup>۹۸</sup> نام شریفش در ۵۲۱ مورد از اسناد روایات واقع شده است. بیش از چهل تن از روایت، مانند علی بن اسباط و محمد بن ابی عمیر و اسماعیل بن مهران، از او اخذ روایت کرده اند.

۹۶. همان، ش ۹۶۳. برای اطلاعات بیشتر درباره شرح حال وی، بنگرید به:

انتقان المقال، ص ۷۳؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۲۳۷؛ الاعلام، ج ۳، ص ۲۰؛ بهجة الآمال، ج ۵، ص ۴۱؛ تاسیس الشيعة، ص ۳۰۱؛ تممة المنتهی، ص ۲۹۰؛ التحریر الطاووسی، ص ۱۵۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۱۰۰ و ۱۰۲؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۱۳-۴۱۷؛ جامع المقال، ص ۷۴؛ الکنی والالقباب، ج ۱، ص ۲۴؛ مجمع الرجال، ج ۳، ص ۲۱۶-۲۳۳؛ معجم رجال الحديث، ج ۱۰، ص ۱۳۴-۱۴۹؛ منهج المقال، ص ۱۸۳؛ نقد الرجال، ص ۱۷۳؛ هداية المحلدين، ص ۸۳؛ الوجیزة، ص ۳۷

۹۷. رجال النجاشی، ص ۲۱۵، ش ۵۶۱

۹۸. رجال الکنی، ص ۵۹۴، ش ۱۱۱۰؛ قاموس الرجال، ج ۶، ص ۱۵۳؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۱۸؛ الخرائج والجرائح، ص ۳۲۴؛ كشف الغمة، ج ۲، ص ۳۰۱؛ عیون أخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۲۱۹، ح ۳۱؛ الاختصاص، ص ۸۴؛ الواقفیه: دراسة وتحلیل، ج ۱، ص ۱۶۳



گوبند سی جلد کتاب داشته است که اسامی برخی از آنها بدین قرار است: الوضوء، الصلاة، الزکاة، الفرائض، اصناف الکلام.<sup>۹۹</sup>

این راوی جلیل القدر تا قبل از سال ۲۰۳ق، در قید حیات بوده است.<sup>۱۰۰</sup>

### حسن بن محبوب (۱۳۹-۲۲۴ق)

حسن بن محبوب بن وهب بَجَلِی، معروف به سرآد (زره ساز) و یا زَرَّاد و مکتبی به ابوعلی، از روات و محدثان نامی و فقهای امامی کوفه و از مشایخ عظیم الشان و جلیل القدر است که کلیه دانشمندان رجال به وثاقت او شهادت داده اند. شیخ طوسی، ابن محبوب را در زمرة یاران امامان موسی بن جعفر و علی بن موسی (ع) ذکر کرده و به توثیق او پرداخته است.<sup>۱۰۱</sup>

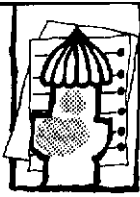
ابن محبوب از امام رضا(ع) و شصت نفر از اصحاب امام صادق(ع) روایت نقل می کند و از ارکان اربعه عصر خود بوده است.<sup>۱۰۲</sup> وی علاوه بر این شصت نفر، مشایخ دیگری هم داشته است. در ذیل با نام برخی از آنها آشنا می شویم: ابان بن تغلب، ابان بن

۹۹. رجال النجاشی، ص ۲۱۵، ش ۵۶۱

۱۰۰. برای اطلاع بیشتر درباره شرح حال این راوی، بنگرید به: اتقان المقال، ص ۸۴؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۳۷۷؛ بهجة الآمال، ج ۱، ص ۲۸۹؛ تاسیس الشیعة، ص ۳۰۰؛ التحریر الطاوسی، ص ۱۷۲؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۱۸؛ توضیح الاشتباه، ۲۱۳؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۱۱ و ۵۱۳؛ جامع المقال، ص ۷۸؛ رجال البرقی، ص ۴۹ و ۵۳؛ خلاصة الاقوال، ص ۱۹۹، ش ۶۱۹؛ رجال ابن داوود، ص ۱۲۴؛ رجال الطوسی، ص ۳۴۱، ش ۵۰۷۱ و نیز شماره های ۵۰۶۰ و ۵۳۱۸؛ رجال الکشی، شماره های ۹۸۹، ۱۰۵۰، ۱۰۹۹، ۱۱۱۰ و ص ۱۷۱ از فهرست های استاد مصطفوی؛ مجمع الرجال، ج ۴، ص ۵۴ و ۵۵؛ معالم العلماء، ص ۷۷؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۱۷؛ المعجم الموحد، ج ۲، ص ۴۹؛ معجم الثقات، ص ۷۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۲۵-۲۳؛ منتهی المقال، ص ۱۹۳؛ منهج المقال، ص ۲۱۲؛ نقد الرجال، ص ۲۰۸؛ هدایة المحدثین، ص ۲۰۷؛ الوجیزة، ص ۳۹. گفتنی است که شیخ طوسی از عبدالله بن مغیره در «الفهرست»، نامی نبرده است.

۱۰۱. رجال الطوسی، ص ۳۳۴، ش ۴۹۷۸ (از اصحاب امام کاظم ع-ع) و ص ۳۵۴، ش ۵۲۵۱ (از اصحاب امام رضا ع-ع).

۱۰۲. الفهرست، ص ۹۶، ش ۱۶۲



عثمان، ابن ابی عمیر، احمد بن ابی نصر بزنطی، اسحاق بن حریر، اسحاق بن عمار، اسحاق بن غالب، ثابت بن دینار (ابوحمزہ ثمالی)، جمیل بن درّاج، جمیل بن صالح، حارث بن نعمان، حدید بن حکیم، حدید مدائنی، حماد بن عیسی، حماد بن زیاد، حماد بن عثمان، زید شحام، سُدیر صیرفی، صفوان جمّال، عبداللّٰه بن ابی یعفر، عبداللّٰه بن بکیر، عبداللّٰه بن غالب، عبداللّٰه بن مسکان، علاء بن رزین، علی بن ابی حمزہ، علی بن رثاب قمی، مؤمن الطاق، محمد بن سنان، معاویہ بن عمار، مفضل بن صالح، مقاتل بن سلیمان، هشام بن سالم، یونس بن عمار.

نام شریفش، بیش از ۳۰۶۸ بار در اسناد روایات وارد شده است. ۱۰۳

علامه حلی درباره وی، تعبیر «ثقه» و «عین» به کار می برد. ۱۰۴

ابن داوود حلی می گوید:

او مورد اطمینان و جلیل القدر است و از ارکان چهارگانه عصر خویش به شمار می رود. تمام فقها بر این نکته اتفاق نظر دارند که هر چه او روایت کند، صحیح است. ۱۰۵.

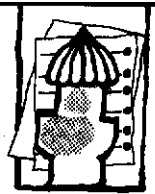
روایت کنندگان از ایشان، بالغ بر یکصد نفرند؛ بزرگانی چون: ابراهیم بن هاشم قمی، ابراهیم بن حسن، ابراهیم بن سلیمان، احمد بن محمد، احمد بن حسین، حسین بن سعید اهوازی، احمد بن ابی عبداللّٰه برقی، فضل بن شادان، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، حضرت عبدالعظیم حسنی، حسن بن محمد ابزاری، حسن بن حسین لؤلؤی، سهل بن زیاد، عبداللّٰه بن صلت، عبداللّٰه بن مغیره، علی بن فضال، محمد بن علی بن محبوب، یونس بن عبد الرحمان.

روایت شده که پدرش (محبوب)، چندان در تربیت فرزند خود اهتمام داشت که با وی شرط کرده بود که در مقابل هر حدیثی که از ثقه بزرگوار، علی بن رثاب کوفی،

۱۰۳. احسن التراجم، ج ۱، ص ۱۵۹

۱۰۴. خلاصة الاقوال، ص ۹۷، ش ۲۲۲

۱۰۵. رجال ابن داوود، ص ۱۱۵



استماع کند و بنویسد، یک درهم پاداش خواهد گرفت. ۱۰۶

این راوی جلیل القدر، آثار فراوانی داشته است؛ از جمله کتابهای وی عبارت اند از: المشیخة (این کتاب به ترتیب نام رجال، توسط ابوجعفر اودی<sup>۱۰۷</sup> فصل بندی شد که کار مراجعه را برای محدثان و محققان، آسان تر می کرد. یک بار دیگر هم مشیخه ابن محبوب دسته بندی شد، منتها به گونه کتابهای فقهی؛ یعنی از کتاب طهارت آغاز شد و به کتاب نوادر خاتمه یافت. این فصل بندی، توسط ابوسلیمان داوود بن کوره قمی انجام پذیرفته است. نک: رجال النجاشی، ص ۸۰)، الفرائض، الحدود، الديات، النکاح، الطلاق، النوادر (حدود هزار ورق بوده است)، المزاح. ابن ندیم به آنها اضافه کرده است: التفسیر، العتق. ۱۰۸ و نیز کتاب معرفة رواة الاخبار. ۱۰۹

یکی از فرزندان او (هارون) از اصحاب امام جواد(ع) و مردی مورد اعتماد و راستگو بوده است که از پدر و سایر راویان، روایت کرده و کتابی به نام «النوادر» داشته است. فرزند دیگر او، محمد نام دارد که شیخ طوسی وی را از اصحاب امام جواد(ع) و در زمره راویان به حساب آورده است. ۱۱۰

ابن محبوب در سن هفتاد و پنج سالگی در ۲۲۴ق، رحلت کرد. گفتنی است که در همین سال، یکی دیگر از اصحاب اجماع به نام حسن بن علی بن فضال از دنیا رفته است. ۱۱۱

۱۰۶. بنگرید به: قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۲۷؛ اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳؛ رجال الطوسی، ص ۳۷۲؛ بهجة الآمال، ج ۳، ص ۱۸۱-۱۹۳.

۱۰۷. بنا بر ضبط نجاشی: ازدی (رجال النجاشی، ص ۸۰، ش ۱۹۳).

۱۰۸. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۹۶ و ۹۷ و نیز بنگرید به: الفهرست، ابن ندیم، چاپ مهر، ج ۱، ص ۲۷۶؛ الاعلام، زرکلی، ج ۲، ص ۲۱۲

۱۰۹. معالم العلماء، چاپ عباس اقبال، ص ۲۸

۱۱۰. رجال الطوسی، ص ۳۷۹، ش ۵۶۱۸ و ۵۶۲۰

۱۱۱. برای آگاهی بیشتر از تفصیل حالات ایشان، رجوع شود به: اتقان المقال، ص ۴۵؛ احسن

التراجم، ج ۱، ص ۱۵۹؛ الاعلام، ج ۲، ص ۲۱۲؛ اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۳۳؛ بهجة الآمال،

ج ۳، ص ۱۸۸؛ تاسیس الشیعة، ص ۳۰۱؛ التحریر الطاوسی، ص ۷۴؛ تنقیح المقال، ج ۱،

<



## احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی

این راوی والا منزلت، نیز از جمله اصحاب اجماع<sup>۱۱۲</sup> و از یاران امام موسی بن جعفر و امام رضا و امام جواد(ع) است. <sup>۱۱۳</sup> فقیه و راوی ثقه‌ای است که نخست مذهب واقفیان را داشته، سپس با دیدن معجزاتی از امام رضا(ع) مستبصر شده است. <sup>۱۱۴</sup> وی در نزد حضرت رضا(ع) مرتبه و منزلتی والا یافت، به حدی که شبی از شبها که در معیت صفوان بن یحیی و محمد بن سنان و عبدالله بن مغیره یا عبدالله بن جندب به حضور با برکت آقا علی بن موسی الرضا(ع) رسیده بودند، در موقع بازگشت، حضرت از او خواست که بماند و او آن شب در خانه حضرت ماند؛ پس از صرف شام و گفتگوی علمی، حضرت بستر پهن کردند و او در بستر امام استراحت کرد. <sup>۱۱۵</sup>

استاد کاظم مدیر شانه چی، در مورد معروف بودن ابی نصر به «بزنطی» می‌گوید:  
بزنطی، منسوب به «بیزانطیه» [بیزانس] است که نام یکی از مستعمرات یونانی

>  
ص ۳۰۴؛ تهذیب المقال، ج ۲، ص ۳۳۰؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۲۱-۲۲۴؛ جامع المقال، ص ۶۱؛ الذریعة، ج ۲۴، ص ۳۲۷ و ج ۲۱، ص ۶۹ و ج ۴، ص ۲۷۶؛ رجال البرقی، ص ۴۸؛ رجال الکشی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰؛ ریحانة الادب، ج ۳، ص ۱۰؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۵۵؛ الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۲۸۱؛ لغتنامه دهخدا، ص ۵۷۹ (ماده حسن)؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۴۳-۱۴۶؛ مجمع رجال الحدیث، ج ۵، ص ۸۹، ۱۰۵ و ۱۰۶ و ج ۲۳، ص ۱۸-۳۰؛ معالم العلماء، ص ۳۳؛ مجمع المؤلفین، ج ۳، ص ۲۷۳؛ منتهی المقال، ص ۱۰۲؛ منهج المقال، ص ۱۰۶؛ نقد الرجال، ص ۹۷؛ هدایة المحدثین، ص ۴؛ هدیه الاحیاب، ص ۱۴۸؛ هدیه العارفين، ج ۱، ص ۲۶۶؛ الوجیزة، ص ۳۱

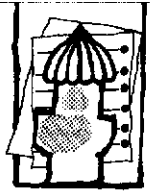
۱۱۲. رجال الکشی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰

۱۱۳. رجال الطوسی، ص ۳۳۲، ش ۴۹۵۴ (از اصحاب امام کاظم-ع). و ص ۳۵۱، ش ۵۱۹۶ (از اصحاب امام رضا-ع). و ص ۳۷۳، ش ۵۵۱۸ (از اصحاب امام جواد-ع).

۱۱۴. ر.ک به: الواقیة: دراسة وتحلیل، ج ۱، ص ۲۸۶؛ رجال سید بحر العلوم، ج ۳، ص ۴۸

۱۱۵. ر.ک به: رجال الکشی، ص ۵۸۷، ش ۱۰۹۹؛ قاموس الرجال، ج ۱، ص ۲۷۴؛ أعیان الشیعة،

ج ۳، ص ۱۴۰



بوده است که توسط «قسطنطین کبیر» [کنستانتین اول] در سده هفتم قبل از میلاد، تجدید بنا شد و پایتخت امپراطوری روم شرقی (دولت بیزانس) قرار گرفت و به همین مناسبت، بعداً نام قسطنطنیه بر آن گذارده شد (منجد الاعلام). بعید نیست خود یا پدران بزنتی در جنگهای بین مسلمین و روم شرقی، اسیر و به دیار اسلامی منتقل شده باشند، یا به خواسته خویش به بلاد بین النهرین هجرت نموده و در کوفه سکونت اختیار کرده باشند. احتمال اسارت وی از تعبیر علامه نسبت به او (مولی السکونی) تقویت می شود؛ چه به احتمال قوی، معنای مولی در اینجا «آزاد کرده» است که معلوم می شود وی نخست غلام سکونی (که خود از اصحاب حضرت صادق-ع- و قاضی بصره و مردی موجه بوده است) بوده. احتمال دیگری نیز موجود است و آن این که مولی به معنی حلیف و هم پیمان باشد؛ ولی این نیز احتمال اسارت یا مهاجرت بزنتی را تأیید می کند؛ زیرا معمولاً افراد غیر عرب، خود را به شخصیتها یا قبایل معروف منتسب و هم پیمان می کردند. ۱۱۶

این روای جلیل القدر، روایات فراوانی در همه ابواب اصول و فروع نقل کرده است و نام شریفش در حدود ۷۸۸ مورد از سلسله اسناد واقع شده است. مشایخ ایشان، طبق احصای علامه میرزا غلامرضا عرفانیان یزدی، ۱۱۹ نفرند. ۱۱۷ در کتب رجالی، اسامی راویان از او به تفصیل مسطور است، از جمله: محمد بن حسین بن ابی الخطاب، احمد بن هلال، یحیی بن سعید اهوازی، احمد بن محمد برقی، محسن بن موسی الخشاب. ۱۱۸

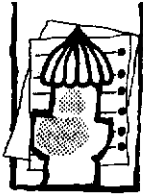
یکی از محققان معاصر می نویسد:

ابو نصر بزنتی، اصلاً از خاندانهای ایرانی بوده که پدران او در کوفه زندگی

۱۱۶. چهل حدیث حضرت رضا(ع)، مقدمه.

۱۱۷. مشایخ الثقات، حلقه اولی.

۱۱۸. رجال النجاشی، ص ۷۵، ش ۱۸۰؛ الفهرست، ص ۶۱، ش ۶۳



می کردند. خاندان او به آل مهران معروف بودند و به اصطلاح آن روز، جزء

موالی - که به غیر اعراب گفته می شد - به شمار می رفتند. <sup>۱۱۹</sup>

شماری از تالیفات وی عبارت است از: الجامع (معروف به «جامع بزنی») ، دو

کتاب «النوادر» <sup>۱۲۰</sup> ، مارواه الرضا (ع) ، المسائل. <sup>۱۲۱</sup>

شیخ طوسی درباره وی می گوید:

ثقة، لقی الرضا(ع) وكان عظیم المنزلة عنده. <sup>۱۲۲</sup>

نجاشی نیز از منزلت والای او نزد امامان رضا و جواد (ع) یاد کرده است. <sup>۱۲۳</sup>

شیخ در «عده» گوید:

انه لا یروی الا عن ثقة. <sup>۱۲۴</sup>

و در «ذکری» آمده است:

ان الاصحاب اجمعوا علی قبول مراسیله. <sup>۱۲۵</sup>

علامه حلی درباره وی گفته است:

لقى الرضا(ع) وكان عظیم المنزلة عنده، وهو ثقة جلیل القدر. <sup>۱۲۶</sup>

بزنی در سال ۲۲۱ یا ۲۲۲ چشم از جهان فرو بست و به سرای باقی شتافت. <sup>۱۲۷</sup>

۱۱۹ . شیخ طوسی نیز وی را از آل مهران می داند(کتاب الغیبة، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ص ۷۱، ح ۷۶).

۱۲۰ . پانوش ۱۱۸ و نیز: اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۴۰

۱۲۱ . ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۵۸

۱۲۲ . الفهرست، ص ۶۱، ش ۶۳

۱۲۳ . رجال النجاشی، ص ۵۸۷-۵۸۹، ش ۱۰۹۹-۱۱۰۱

۱۲۴ . عده الاصول.

۱۲۵ . ذکری.

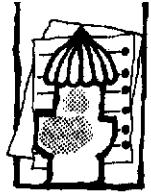
۱۲۶ . خلاصة الاقوال، ص ۶۱، ش ۶۶

۱۲۷ . شرح احوال این عالم بزرگ، در منابع ذیل وجود دارد: اتقان المقال، ص ۱۴ ؛ احسن التراجم،

ج ۱، ص ۵۶ ؛ اعیان الشیعة، ج ۳، ص ۱۴۰ ؛ بهجة الآمال، ج ۲، ص ۱۰۱ ؛ التحریر الطاووسی،

ص ۴۰ ؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۷۷ ؛ تهذیب المقال، ج ۳، ص ۲۱۴ ؛ جامع الرواة، ج ۱،





## فضالة بن ایوب آزدی اهوازی

از بزرگان اهل حدیث و ثقات آنهاست. صداقت، امانت و پاکی طینت او را دانشمندان علم رجال ستوده و به مرویاتش اعتماد کرده اند. گروهی وی را از «اصحاب اجماع» می دانند و به فقاہت او نیز اعتماد دارند.

علامه کشی پس از نقل اجماع اصحاب بر تصحیح روایات اصحاب اجماع، می گوید:

بعضی به جای حسن بن محبوب، حسن بن علی بن فضال و فضالة بن ایوب را گفته اند. ۱۲۸

نجاشی درباره وی می نویسد:

كان ثقة في حديثه، مستقيماً في دينه. ۱۲۹

علامه در «خلاصه»، عین همین تعبیر را آورده است. ۱۳۰ در «رجال برقی»، او از اصحاب امام کاظم (ع) شمرده شده است. ۱۳۱.

فضالة بن ایوب از امام رضا (ع) هم روایت می کند. وی همچنین از جمعی از اصحاب ائمه هدی (ع) همچون: معاویة بن عمار، ابن مسکان، عبدالله بن بکیر، و ابن سنان، روایت کرده است.

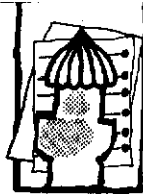
> ۵۹؛ رجال البرقی، ص ۵۴؛ رجال ابن داوود، ص ۴۲؛ ریحانة الادب، ج ۱، ص ۲۵۷؛  
الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۶؛ الکنی واللقاب، ج ۲، ص ۷۱؛ مجمع الرجال، ج ۱،  
ص ۱۵۷-۱۶۰؛ معالم العلماء، ص ۱۰؛ معجم الثقات، ص ۱۰؛ مشایخ الثقات، الحلقة الاولى،  
ص ۲۴۵؛ منهج المقال، ص ۴۶؛ منتهی المقال، ص ۴۰؛ نقد الرجال، ص ۲۸؛ هداية المحدثین،  
ص ۱۷۴.

۱۲۸. رجال الکشی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰

۱۲۹. رجال النجاشی، ص ۳۱۰، ش ۸۵۰

۱۳۰. خلاصة الاقوال، ص ۲۳۰، ش ۷۷۴

۱۳۱. رجال البرقی، ص ۴۹



نام شریفش در ۴۱۷ مورد از اسناد روایات، وارد شده است. ۱۳۲

راویانی چون محمد بن عیسی، محمد بن خالد و علی بن اسماعیل میثمی از او روایت کرده اند.

در «فهرست» شیخ طوسی، کتابی برای او ذکر شده است که احمد بن ابی عبدالله برقی آن را روایت می کند. ۱۳۳ در «وجیزه»، «البلغة»، «مشتراکات کاظمی» و منابع دیگر، وثاقت فضاله آمده است. در «رجال نجاشی»، کتاب «الصلاة» را به او نسبت داده اند. ۱۳۴ این بزرگوار، قبل از سال ۲۰۳ق، در قید حیات بوده و در اهواز سکونت داشته است. ۱۳۵

### عثمان بن عیسی ۱۳۶

ابو عمرو رؤاسی عامری کلابی را برقی در رجالش از اصحاب امامان صادق و کاظم (ع) دانسته است. ۱۳۷ شیخ طوسی، وی را در شمار اصحاب امامان کاظم و رضا (ع) نام برده است. ۱۳۸

۱۳۲. احسن التراجم، ج ۲، ص ۱۵

۱۳۳. الفهرست، ص ۲۰۰، ش ۵۷۱

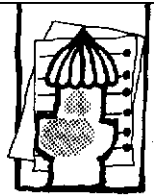
۱۳۴. رجال النجاشی، ص ۳۱۱

۱۳۵. برای کسب اطلاعات گسترده تر، نگاه کنید به: اتقان المقال، ص ۱۰۸؛ أضبط المقال، ص ۵۳۴؛ ایضاح الاشتباه، ص ۶۹؛ بهجة الأمال، ج ۶، ص ۲۷؛ التحریر الطاوسی، ص ۲۳۴؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۵؛ توضیح الاشتباه، ص ۲۴۶؛ جامع الرواة، ج ۲، ص ۲؛ جامع المقال، ص ۴؛ رجال البرقی، ص ۴۹؛ رجال ابن داوود، ص ۱۵۱؛ رجال الطوسی، ص ۳۴۲، ش ۵۰۹۲ و ۳۶۳، ش ۵۳۸۳ و ص ۴۳۶، ش ۶۲۳۷؛ رجال الکشی، ص ۱۰۷، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۷۱، ۲۳۶، ۴۲۷ و ۵۵۶؛ مجمع الرجال، ج ۵، ص ۱۷ و ۱۸؛ معالم العلماء، ص ۹۲؛ معجم الثقات، ص ۹۵؛ منتهی المقال، ص ۲۴۰؛ منهج المقال، ص ۲۵۹؛ نقد الرجال، ص ۲۶۵؛ هدایة المحدثین، ص ۱۲۸؛ الوجیزة، ص ۴۳؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۹۲

۱۳۶. کشتی در رجالش (ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰) پس از نام بردن شش نفر آخر از اصحاب اجماع، از بعضی نقل می کند که به جای «ابن فضال» از «عثمان بن عیسی» یاد کرده اند.

۱۳۷. رجال البرقی.

۱۳۸. رجال الطوسی، شماره های ۵۰۶۷ و ۵۳۲۲



وی از سران واقفیه بود و از ناحیه امام کاظم (ع) در مصر، وکالت داشت و وجوه مختلف مالی را از شیعیان اخذ نموده، به حضرت تحویل می داد و چون نهاد وکالت گسترش چشمگیری یافته بود و از طرفی حضرت (ع) در زندان به سر می برد، امکان ارسال وجوه به خدمت حضرت وجود نداشت. به همین دلیل، اموال زیادی از حضرت، پس از شهادت، در نزد وی بود. امام رضا (ع) برای او نوشت تا اموال را نزد ایشان بفرستد. وی ابتدا خودداری کرد. حضرت خشمگین شد. وی پشیمان شد و توبه کرد و اموال را برای حضرت فرستاد. ۱۳۹

شیخ طوسی در «عدة» می فرماید:

طائفة شیعه بر عمل به روایات او اجماع دارند. ۱۴۰

حاجی نوری در «مستدرک الوسائل» می نویسد:

وی ثقه است و اخبار او مورد اعتماد، و نسبت وقف و خیانت، ضرری به ثقت او نمی زند؛ یا به جهت عدم صحت نسبت، یا به دلیل زوال و بازگشت و استبصار وی.

وی سپس استدلال کرده که او یکی از اصحاب اجماع است. ۱۴۱

طبق نقل مؤلف «احسن التراجیم»، نام او در ۷۴۳ مورد در اسناد روایات واقع شده است. ۱۴۲

وی از جمعی از بزرگان روایت می کند، از جمله: ابو حمزة ثمالی، علی بن مهزیار، علی بن سندی، سهل بن زیاد آدمی.

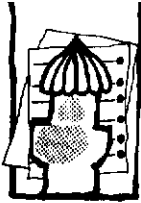
عثمان بن عیسی تألیفاتی دارد، از جمله کتاب «المیاه» که محمد بن حسین بن ابی الخطاب، آن را از وی نقل می کند ۱۴۳ و نیز کتابهای: القضا، الاحکام،

۱۳۹. ر. ک به: رجال الکشی، ص ۵۹۷، ش ۱۱۱۷؛ رجال النجاشی، ص ۳۰۰، ش ۸۱۷؛ القیة، شیخ طوسی، ص ۴۳؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۱۴۷؛ سفینة البحار، چاپ جدید، ج ۶، ص ۱۴۷. ۱۴۰. عدة الاصول.

۱۴۱. سفینة البحار، ج ۶، ص ۱۴۷

۱۴۲. احسن التراجیم، ج ۱، ص ۳۹۲

۱۴۳. الفهرست، ص ۱۹۳، ش ۵۴۵



وی، تا قبل از سال ۲۰۳ق، در قید حیات بوده است. ۱۲۵

### حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۴ق)

کشئی، از بعضی نقل می کند که به جای «حسن بن محبوب»، «حسن بن علی بن فضال» را از اصحاب اجماع برشمرده اند. ۱۲۶

وی از محدثان مشهور و روایان امام رضا(ع) به شمار می رفته و از خاصان آن حضرت بوده است که به عبادت، زهد و دانش، معروف بوده است. ۱۲۷

خاندان بنی فضال از خاندانهای علمی شیعه است که محدثان فراوانی را به جامعه ارزانی داشتند؛ منتها اینان پس از امام جعفر صادق(ع) به امامت عبدالله افطح، فرزند آن حضرت، اعتقاد پیدا کردند؛ ولی افرادی ثقة بودند؛ لذا جمعی به امام عرض کردند که انبوهی از کتاب هایی که توسط رجال خاندان بنو فضال نوشته شده، در منازل ما، وجود دارد. تکلیف ما نسبت به آنها چیست؟ فرمود:

خذوا ما رووا و ذروا ما راوا؛ ۱۴۸ به روایات آنان عمل کنید؛ ولی معتقدات آنها

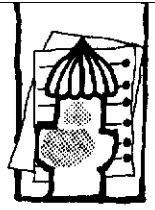
۱۴۴. رجال النجاشی، ص ۳۰۰، ش ۸۱۷ (البته نجاشی نیز از «کتاب المباه» نام می برد و اینکه علی بن اسماعیل بن عیسی از آن خبر می دهد).

۱۴۵. برای کسب آگاهی بیشتر از این راوی، رجوع کنید به: الاختصاص، ص ۷۸ و ۲۸۵؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۳۹۱-۳۹۴؛ ایضاح الاشتباه، ص ۶۶؛ بهجة الآمال، ج ۵، ص ۲۲۳؛ التحریر الطاووسی، ص ۱۹۹؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۲۴۷؛ توضیح الاشتباه، ص ۲۱۹؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۲۴؛ جامع المقال، ص ۸۰؛ خلاصة الأوقال، ص ۳۸۲، ش ۱۵۳۵؛ الغیبة، طوسی، ص ۲۱۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۱؛ معجم الرجال، ج ۴، ص ۱۳۳-۱۳۵؛ معالم العلماء، ص ۸۸؛ معجم النقات، ص ۷۸ و ۳۱۶؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۲، ص ۱۲۹-۱۳۶؛ معجم المؤلفین، ج ۶، ص ۲۶۶؛ منهج المقال، ص ۲۱۹؛ نقدالرجال، ص ۲۱۹؛ هداية المحدثین، ص ۱۱۱؛ هدية العارفين، ج ۱، ص ۶۵۱؛ الوجيزة، ص ۴۰

۱۴۶. رجال کشئی، ص ۵۵۶، ش ۱۰۵۰

۱۴۷. ر. ک به: اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۶؛ رجال بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۴۶؛ رجال کشئی، ص ۳۴۵، ش ۶۳۹؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۱۱؛ معجم رجال الحدیث.

۱۴۸. رسائل شیخ انصاری، باب حجیة خبر الواحد بالسنة (به نقل از «الغیبة» طوسی).



را کنار بگذارید .

شیخ طوسی درباره وی می گوید :

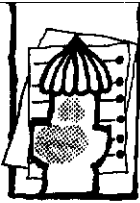
او نخست فطحی مذهب بود؛ اما در زمان فوتش، به امامت حضرت ابوالحسن موسی (ع) رجوع کرد... از حضرت رضاع (ع) نقل می کرده است و از نزدیکان حضرت محسوب می شده و مردی جلیل القدر، عظیم المنزله و در حدیث و روایاتش ثقه بوده است. ۱۴۹

این راوی، دارای مکانت والایی نزد دانشمندان حدیث و رجال است. تألیفات او عبارت اند از: التفسیر، الابتداء والمبتدأ (توحید و نبوت)، البشارات، اصفیاء امیر المؤمنین (ع)، الطب، الصلاة، الرجال (که گویا در عصر نجاشی، معروف و شاید در اختیار او بوده است)، الزهد، الملاحم، الدیات، الرد علی الغالیة، النوادر، شواهد من کتاب الله، الزیارات، الناسخ والمنسوخ، المتعة. ۱۵۰

۱۴۹. الفهرست، ص ۹۷، ش ۱۶۴

۱۵۰. همان؛ الذریعة، ج ۱۰، ص ۸۹. برای اطلاع بیشتر از حال این راوی، رجوع کنید به:

اتقان المقال، ص ۴۳؛ الاعلام، ج ۲، ص ۲۰۰؛ ایضاح المکتوب، ص ۲۷۸ و ۶۱۵؛ اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۶؛ بهجة الآمال، ج ۳، ص ۱۷۲؛ رجال بحر العلوم، ج ۲، ص ۲۵۵؛ قاموس الرجال، ج ۳، ص ۲۱۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۶، ص ۴۸-۵۷؛ رجال الکشی، ص ۴۳۳ و ۵۱۵؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۸؛ رجال النجاشی، ص ۳۴، ش ۷۲؛ تحفة الاحباب، ص ۹۸؛ تممة المنتهی، ص ۳۰۷؛ التحریر الطاوسی، ص ۷۴؛ تاسیس الشیعة، ص ۳۳۴؛ تنقیح المقال، ج ۱، ص ۲۹۷؛ تهذیب المقال، ج ۲، ص ۴؛ جامع الرواة، ج ۱، ص ۲۱۴؛ رجال البرقی، ص ۵۴؛ خلاصة الاقوال، ص ۹۸، ش ۲۲۳؛ رجال ابن داوود، ص ۷۶؛ رجال الطوسی، ص ۳۵۴، ش ۵۲۴۱؛ ریحانة الادب، ج ۸، ص ۱۴۰؛ سفینة البحار، ج ۲، ص ۳۷۰؛ کامل الزیارات، ص ۲۷؛ الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۲۶۶؛ لسان المیزان، ج ۲، ص ۲۲۵؛ مجمع الرجال، ج ۲، ص ۱۲۱-۱۳۷؛ معجم المؤلفین، ج ۳، ص ۲۵۵؛ منتهی المقال، ص ۹۹؛ منهج المقال، ص ۱۰۳؛ نقد الرجال، ج ۹۴؛ هداية المحدثین، ص ۱۹۰؛ هدية العارفين، ج ۱، ص ۲۶۷؛ الوجیزة، ص ۲۱؛ احسن التراجم، ج ۱، ص ۱۵۴-۱۵۷



یونس بن عبد الرّحمان اسدی

سلمان روزگار، فقیهی صاحب نام، مفسّری معروف و محدّثی پرتوان و از ارکان مذهب شیعه در عصر خود به شمار می رفته است.

از خاصان امامان کاظم و رضا(ع) و پر دانش ترین اصحاب آن دو امام بوده که در زمان خلافت نهمین خلیفه اموی، هشام بن عبدالملک (۱۲۵-۱۰۵ق)، پا به عرصه گیتی نهاد و از آن روزی که خود را شناخت، با اشتیاق کامل به آموختن معارف عالیله الهی همت گماشت و از زلال دانش ائمه هدی(ع) برخوردار گشت و به مرتبه ای از دانش و بینش رسید که فقیه، محدّث و متکلم سرشناس، فضل بن شادان، کسی را فقیه تر از او نمی دانست و می فرمود:

یونس، همانند سلمان فارسی رشد یافته و پس از او داناترین محدّثان اسلام است. ۱۵۱

وی به حدی مورد اعتماد بود که امام رضا(ع) توجه شیعیان را در بهره گیری از دانش دینی و استفتا در مسائل شرعی به یونس معطوف می داشت. ۱۵۲

قابطه ارباب تراجم و رجال، او را توثیق و به جلالت و عظمت یاد کرده اند؛ راوی شناس شهیر، نجاشی، درباره اش می نویسد:

کان وجهاً فی اصحابنا، متقدماً، عظیم المنزلة؛ ۱۵۳

او آبروی امامیه و پیشوا و جلیل القدر است.

شیخ طوسی در رجالش او را ثقه معرفی کرده است. ۱۵۴

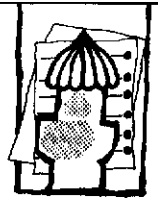
علامه حلی می فرماید:

۱۵۱. رجال الکشی، ص ۲۰۳، ش ۳۵۷ و ص ۴۸۵، ش ۹۱۹

۱۵۲. برای نمونه نگاه کنید به: رجال النجاشی، ص ۴۴۶، ش ۱۲۰۸

۱۵۳. همان.

۱۵۴. رجال الطوسی، ص ۳۴۶، ش ۵۱۶۷ و ص ۳۶۸، ش ۵۴۷۸



ابو محمد یکی از چهره های درخشان عالم تشیع است. ۱۵۵

ابن ندیم (کتابشناس معروف) در فهرست خود، او را علامه زمان خویش دانسته است. ۱۵۶

شهید والامقام، قاضی نورالله شوشتری، درباره او می نویسد:

صاحب آل یقطین و مصاحب زبده ماء و طین، و غلام با اخلاص انزع بطین

بود. حضرت امام رضا(ع) را وکیل، و در بیان علمای احمدی از قبیل انبیای

بنی اسرائیل است. ۱۵۷

نام شریف این راوی، ۲۶۳ بار در اسناد روایات واقع شده است و بیش از سی راوی

از او روایت می کنند. ۱۵۸

در تراجم آمده که:

آنگاه که حضرت موسی بن جعفر(ع) به دیدار حق شتافت، اموال کلانی نزد

وکلای آن حضرت وجود داشت. برخی از سودجویان آنها چشم طمع از آن

اموال برنداشته، با نیت های مادی و انگیزه های واهی، فوت حضرت را

نپذیرفته، منکر امامت امام هشتم شدند و نقشه کشیدند که نور خدا را خاموش

کنند. نزد زیاد قندی، هفتاد هزار اشرفی بود و در نزد علی بن ابی حمزه، سی

هزار؛ اما یونس، نظر واقعی ها را مردود معرفی می کرد و مردم را به امام علی

بن موسی الرضا(ع) راهنمایی می نمود. آنان به فکر فریفتن یونس افتاده، پیام

فرستادند که حاضریم تو را از مال بی نیاز کنیم، به شرطی که با ما به مخالفت

برنخیزی. همچنین زیاد قندی و علی بن ابی حمزه ضمانت کردند که مبلغ ده

هزار اشرفی به عنوان حق السکوت در اختیار او بگذارند. یونس گفت:

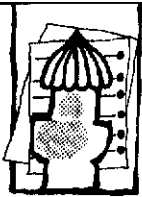
«صادقین(ع) روایت کرده اند که هرگاه بدعت در بین مردم ظاهر شد، بر پیشوای

۱۵۵ . خلاصة الاقوال، ص ۲۹۶، ش ۱۱۰۳

۱۵۶ . الفهرست، ابن ندیم، ص ۳۰۹

۱۵۷ . مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۱۰

۱۵۸ . أحسن التراجم، ج ۲، ص ۲۳۷



امت است که علم خود را ظاهر کند؛ در غیر این صورت، نور ایمان از او ربوده خواهد شد؛ و من جهاد در دین خدا و امر خدا را در هیچ حالی ترک نخواهم کرد». آن دو نفر، دشمن او شدند و بر او تهمت‌ها بستند. ۱۵۹

در عبادت و تقوای او همین بس که درباره او نوشته‌اند که بیش از پنجاه و یک نوبت حج به جای آورد و بیست سال روزه دار بود و یک سال از عمر شریف خود را در حال دعا و تضرع به درگاه حضرت احدیت گذراند. ۱۶۰

در فضل و کمال او همین بس که عبدالعزیز بن مهتدی - از اخیار قم و از خواص و وکلای حضرت رضا(ع) - از حضرت می‌پرسد: گاهی توفیق پیدا نمی‌کنم تا خدمت شما برسم. از چه فردی مسائل و احکام دینم را بپرسم؟ حضرت فرمود: «از یونس بن عبدالرحمان بپرس». ۱۶۱  
یونس، روایتگر حدود ۲۶۳ حدیث با واسطه و بدون واسطه از ائمه هدی(ع) بوده است.

قمیین، برخوردارهای تندى با یونس بن عبدالرحمان داشته و روایات دامنه‌ای درباره او نقل کرده‌اند که قطعاً صحیح نیست؛ چرا اگر در اسطوره زهد و تقوی، اسوه کمالات و فضیلتها (یونس) ضعفی بود، حضرت رضا(ع) مردم را به سوی او حواله نمی‌داد. به او گفتند قمیین از سر حسادت، سخنان نکوهیده‌ای درباره تو گفته‌اند و می‌گویند. گفت: شما را گواه می‌گیرم که هر آن کس را از محبت امیر مؤمنان(ع) نصیبی باشد، بهل است آنچه در حق من گوید.

شیخ طوسی در فهرست خود می‌گوید که یونس، بیش از سی کتاب داشته است؛ و نجاشی در رجالش بیش از سی مورد نام برده است. ۱۶۲

این کتابها به وی نسبت داده شده است: الیسوم واللیلة، تفسیرالقرآن، الوصایا،

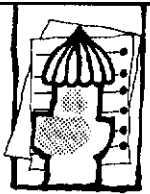
۱۵۹. نگاه کنید به: اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۳۲۸؛ رجال النجاشی، ص ۴۹۳، ش ۹۴۶

۱۶۰. نگاه کنید به: رجال الکشی، شماره‌های ۹۱۷ و ۹۲۶؛ معجم رجال الحدیث.

۱۶۱. همان، ص ۴۸۳، ش ۹۱۰

۱۶۲. الفهرست، ص ۲۶۶، ش ۸۱۳؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۷





الفرائض، البداء، علل الاحادیث، الصلاة، الصوم، الزكاة، جامع الآثار، السهو، الجامع الكبير فى الفقه، الادب والدلالة على الخير، التجارات، الحدود، المثالب، علل النكاح وتحليل المتعة، الردّ على الغلاة، نوادر البيوع، ثواب الحج، الطلاق، الوضوء، المكاسب، اللؤلؤ فى الزهد، الامامة، فضل القرآن، اختلاف الحج، البيوع والمزارعات، مسائله عن أبى الحسن موسى بن جعفر (ع).

داوود بن قاسم جعفرى مى گوید: كتاب «يوم وليله» يونس را به محضر شريف امام حسن عسكرى (ع) عرضه داشتيم فرمود: تصنيف كيست؟ گفتيم: يونس مولى آل يقطين. فرمود: اعطاه الله بكلّ حرف نوراً يوم القيامة. ۱۶۳

ياسر خادم مى گوید: حضرت موسى بن جعفر (ع) فرمود:

ديشب غلام آزاد شده على بن يقطين [يونس بن عبدالرحمان] را در خواب ديدم كه بين دو چشمش نقطه سفيدى بود، و من آن را به عظمت دين او تعبیر نمودم. ۱۶۴

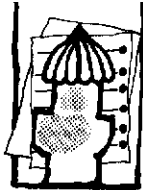
يونس در سال ۲۰۸ ق، در شهر مدینه، چشم از جهان فانی فرويست. ۱۶۵

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۱۶۳. النوادر، فیض، ص ۹؛ و نیز ر.ک به: رجال الکشی، شماره های ۹۱۵ و ۹۱۶

۱۶۴. رجال الکشی، ص ۴۹۱، ش ۹۳۹

۱۶۵. برای آگاهی بیشتر از ترجمه یونس بن عبدالرحمان، رجوع شود به: اتقان المقال، ص ۱۵۰؛ الاعلام، ج ۸، ص ۲۶۱؛ اعیان الشیعة، ج ۱۰، ص ۳۲۶-۳۳۱؛ احسن التراجم، ج ۲، ص ۲۳۶؛ بهجة الآمال، ج ۷، ص ۳۵۷؛ تاسیس الشیعة، ص ۳۲۸؛ التحرير الطاوسی، ص ۳۱۵؛ تنقیح المقال، ص ۳ و قسمت یاء، ص ۳۳۸؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۹۶، ش ۱۱۰۳؛ رجال الکشی، ص ۱۴۵ و ۲۰۳؛ رجال النجاشی، ص ۴۴۶؛ ریحانة الادب، ص ۴۰۴؛ الفهرست، ابن ندیم، ص ۲۷۶؛ الکنی والالقباب، ج ۱، ص ۳۶-۳۴ و ج ۲، ص ۲۲۵؛ مجالس المؤمنین، ج ۱، ص ۴۱۰ و ج ۲، ص ۲۹۳-۳۰۷؛ معجم الشقات، ص ۱۲۴؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۳؛ معجم المؤلفین، ج ۱۳، ص ۳۴۸؛ منتهی المقال، ص ۳۳۶؛ منهج المقال، ص ۳۷۷؛ نقد الرجال، ص ۳۸۱؛ هدایة المحدثین، ص ۱۶۵؛ الوجیزة، ص ۵۴؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۶۹



## محمد بن ابی عمیر ازدی بغدادی

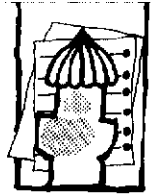
محمد بن ابی عمیر بن زیاد بن عیسیٰ ازدی بغدادی، مکنی به ابو احمد، از اجله مشایخ امامیه و از ثقات اصحاب حضرت موسی بن جعفر و حضرت رضا و حضرت جواد (ع) است که در نزد مخالف و مؤلف، مورد احترام و عابدترین و متعبدترین افراد عصر خود بود.<sup>۱۶۶</sup> مقامش در وثوق، دانش، فضیلت، زهد، عبادت، پارسایی، تحقیق و تبخر علمی، چندان والا است که احادیث مرسل او مورد پذیرش عالمان شیعی و اصحاب روایت است و این، بهترین دلیل بر منزلت والای علمی و عدالت اوست. وی در بسیاری از منابع (از جمله: البلغة، مشترکات والوجیزة)، توثیق شده است. در کتاب «معجم رجال الحدیث» (ج ۲۲، ص ۱۰۱-۱۰۵) اسامی حدود ۳۵۰ تن از مشایخ ابن ابی عمیر جمع آوری شده است. مؤلف کتاب «مشایخ الثقات» (حلقه اولی) بزرگان مشایخ او را نام برده است: معاویه بن عمار، حماد بن عثمان، عبدالرحمان بن حججاج بجللی، ابراهیم بن عبدالحمید اسدی، هشام بن سالم، حماد بن عیسی، عمر بن اذینه، حفص بن بختری، زراره بن اعین، جمیل بن دراج، عبداللّه بن بکیر، محمد بن مسلم، هشام بن حکم.

وی با اینکه مشایخی از اهل سنت داشت، اما هیچ گاه روایات عامه را باز نمی گفت.

شادان بن خلیل نیشابوری، علت این امر را از او جویا شد. او پاسخ داد:

من از عامه روایت ها شنیده ام؛ لیکن چون می بینم بسیاری از اصحاب ما روایات فریقین را با هم دریافت کرده اند و در بازشناسی آنها دچار اشتباه و تخلیط شده اند، به گونه ای که حدیث اهل سنت را با سند شیعی و حدیث شیعه را با اسناد به اهل سنت نقل کرده اند، نخواستم که من نیز به این مشکل گرفتار آیم؛ و

۱۶۶. ر. ک به: رجال الکشی، ص؛ الفهرست، ص ۲۱۸، ش ۶۱۷؛ تنقیح المقال، ص ۱۶۲ (باب محمد)؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۲ (مقدمه)؛ تحفة الاحباب، ص ۳۱۲؛ الکنی والالقباب، ج ۱، ص ۱۹۹ و ۲۰۰



لذا تصمیم گرفتیم جز آرای شیعه و ائمه(ع)، چیزی را نقل نکنیم. ۱۶۷

و طبق نقل آیه الله خویی، ابن ابی عمیر، حدود هشتاد تن شاگرد و راوی داشته است که از وی روایت کرده اند؛ راویانی چون: علی بن مهزیار [مازیار] اهوازی، فضل بن شادان، ابراهیم بن هاشم، حسین بن سعید اهوازی؛ صفوان بن یحیی، احمد بن محمد بن عیسی اشعری، عبدالعظیم حسنی، ابو عبدالله برقی، عبدالرحمان بن ابی نجران تمیمی، عبدالله بن صلت قمی، عبدالله بن احمد بن نهیک نخعی، عبیدالله بن احمد. ۱۶۸

کشی از قول استاد خود (عیاشی) می نویسد:

من از علی بن حسن بن فضال شنیدم که او می گفت: محمد بن ابی عمیر،

فقیه تر از یونس بن عبدالرحمان و نسبت به او برتر و شایسته تر است. ۱۶۹

وی در علم نجوم و کلام نیز دست داشته است. ۱۷۰

در عصر خلافت هارون الرشید و نیز مأمون، تصدّی کرسی قضا در بغداد به او پیشنهاد شد و او از پذیرش این منصب امتناع ورزید؛ و لذا سختی ها دید و به دستور مأمون، چهار سال زندانی شد و تمامی اموالش ضبط گردید و هنگامی که از زندان خلاصی یافت، در نهایت تنگدستی بود. ۱۷۱

شیخ صدوق نقل می کند:

شغل ابن ابی عمیر، بزازی بوده است. هزار درهم از شخصی طلب داشت. بر اثر گرفتاری هایی که پیدا کرد، اموال، حجره و خانه اش مصادره شد و سرمایه اش از دست رفت و تنگدست شد. شخص مدیون شنیده بود که ابن ابی عمیر در راه اعتقاد خود همه اموالش را از دست داده و اکنون سخت محتاج

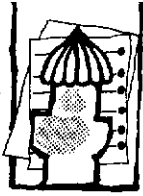
۱۶۷. رجال الکشی، ص ۵۹۰، ش ۱۱۰۵؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۲؛ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۱ (مقدمه).

۱۶۸. معجم الرجال الحدیث.

۱۶۹. رجال الکشی، ص ۵۸۹، ش ۱۱۰۳ و ص ۵۹۱، ش ۱۱۰۶.

۱۷۰. ر. ک به: سفینه البحار، چاپ جدید، ج ۲، ص ۳۶۶.

۱۷۱. رجال الکشی، ص ۵۹۰ و ۵۹۱.



است؛ لذا خانه مسکونی خود را معادل همین مبلغ فروخت و پول آن را نزد ابن ابی عمیر برد تا دین خود را بپردازد.

به در خانه ابن عمیر رفت و در زد. ابن ابی عمیر بیرون آمد و شخص مدیون را دید که ده هزار دهم را به او تسلیم کرد و گفت: این طلب شماست که در ذمه من بود.

ابن ابی عمیر از او پرسید که پول را چگونه تهیه کرده است؛ چون می دانست که بدهکار، فرد ثروتمندی نیست و فراهم کردن چنین پولی برایش آسان نیست. از این رو به شوخی گفت: آیا به تو ارثی رسیده یا کسی مالی به تو بخشیده، یا از عایدی مستغلات است؟ مرد گفت: هیچ کدام نبوده است. من خانه ام را فروخته ام تا ادای دین کنم. محمد بن ابی عمیر گفت: ذریع محاربی از امام صادق (ع) برایم حدیثی نقل کرد که: «لَا يُخْرَجُ الرَّجُلُ عَنِ مَسْقَطِ رَأْسِهِ بِالْدِينِ؛ آدمی را به خاطر قرض، از وطن خود بیرون نمی کنند».

پس از آن به لفظ جلاله سوگند یاد کرد که «با این که حتی به یک درهم آن نیز محتاج هستم؛ اما پول خانه مسکونی تو را نمی پذیرم».<sup>۱۷۲</sup>

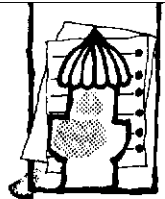
ابن بطه درباره تالیفات وی می گوید: «ابن ابی عمیر، ۹۴ کتاب تألیف کرده است»؛ لیکن متأسفانه این آثار از بین رفت و تنها در بعضی از کتب، نامی از آنها برجای مانده است که برخی از آنها از این قرارند: النوادر، الاستطاعة والافعال، الرد علی أهل القدر والجبر، الامامة، البداء، المتعة، مسائل عن الرضا (ع)، الملاحم، يوم و ليلة، الصلاة، مناسک الحج، الصیام، الرضاع، الطلاق، النکاح، التوحید، المعارف، اختلاف الحدیث. ۱۷۳

درباره این که چرا هیچ اثری از آثار این بزرگمرد به دوران ما نرسیده است،

۱۷۲. سفینه البحار، چاپ جدید، ج ۲، ص ۳۶۶؛ الاختصاص، ص ۸۶؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳،

ص ۱۱۲؛ تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۹۸

۱۷۳. ر. ک به: رجال النجاشی، ص ۳۲۷؛ الفهرست، ص ۲۱۸



تاریخ نگاران نوشته اند: (۱) چون نام بسیاری از شیعیان برجسته در سلسله اسناد حدیث آمده بود و خطر افشا شدن نام آنان وجود داشت، لذا کتاب ها در منزل خواهرش نگاهداری می شد که بر اثر باریدن باران و رطوبت، تمام آنها از بین رفت؛ (۲) برخی گفته اند خواهر یا خواهر زاده اش، هنگامی که او را به زندان افکندند، آنها را در زمین دفن کرده بود؛ بدین سبب از بین رفتند. ۱۷۴

رابطه نزدیک ابن ابی عمیر با امامان معصوم و مرجعیت علمی او سبب شده بود که وی آماری از پیروان آل علی (ع) در اختیار داشته باشد. نزد هارون شکایت کردند که وی اسامی شیعیان عراق را در اختیار دارد. خلیفه از او خواست نام شیعیان را افشا کند. وی از افشای نام آنها خودداری کرد. این مطلب بر هارون گران آمد؛ دستور داد او را دستگیر کردند و در زندان افکندند و چندین سال زندانی بود.

پس از آن، او را به نزد هارون آوردند و از او خواستند تا نام شیعیان را بگوید. او مقاومت کرد. هارون دستور داد تا صد ضربه تازیانه به او بزنند. خود او گوید:

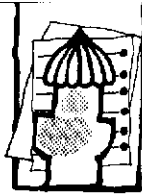
هنگامی که مرا می زدند، تعداد شلاقها که به صد رسید، توانم از دست رفت و نیروی ایمانم به سر رسید؛ نزدیک بود نام شیعیان را بر زبان آورم؛ در این لحظه شنیدم محمد بن یونس بن عبدالرحمان<sup>۱۷۵</sup> به من می گفت: «یا ابن ابی عمیر! اذْکُرْ مَوْقِفَکَ عِنْدَ اللّٰهِ؛ ای محمد بن ابی عمیر! جایگاه خودت را در پیشگاه خداوند در نظر آر». من با شنیدن این سخن به خود آمدم و قوت قلب پیدا کردم و به زجر و شکنجه صبر کردم و نگفتم. الحمدلله<sup>۱۷۶</sup>

ابن ابی عمیر، پس از آزادی، تنها با تکیه بر حافظه به ذکر حدیث می پرداخت و چون دقت و تعهدش نسبت به نقل حدیث از راویان ثقه فوق العاده بود، از این رو مشایخ،

۱۷۴. رجال النجاشی، ص ۳۲۶. خواهران او، سعیده و منبه، از راویان احادیث اهل بیت (ع) می باشند.

۱۷۵. از اصحاب حضرت رضا و جواد الائمه (ع) است.

۱۷۶. رجال الکشی، ص ۵۹۱؛ معجم رجال الحدیث.



مرسلات وی را تلقی به قبول کرده اند. ۱۷۷

اضافه بر خدمات علمی و اجتماعی، وضع عبادت و سجده های طولانی او هم داستان آموزنده ای دارد. فضل بن شادان گوید:

به عراق رفته بودم. در آنجا دیدم فردی دوست خود را به خاطر سجده طولانی مورد انتقاد قرار داد و گفت: تو زن و فرزند داری؛ باید تلاش مضاعف داشته باشی و این سجده های طولانی به صلاح تو نیست؛ چون چشمهایت صدمه می بینند و سبب نابینایی تو خواهد شد و خانواده ات را به فقر و فلاکت خواهد انداخت.

او در جواب گفت: چرا مرا سرزنش می کنی؟ سجده های من که طولانی نیست! اگر سجده طولانی به کوری می انجامد، باید تاکنون چشمهای محمد بن ابی عمیر نابینا بود؛ چون او پس از فریضه صبح سر به سجده می گذارد و هنگام نماز ظهر، سرش را از سجده بلند می کند. ۱۷۸

در تاریخ وفات این مرد مجاهد نستوه، اختلاف است. نجاشی و علامه حلی می نویسند که او در سال ۲۱۷ق، به بهشت عتبر سرشست رحلت کرد. ۱۷۹

۱۷۷. نک: تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۳؛ کلیات علم الرجال، ص ۲۱۵

۱۷۸. بهجة الآمال، ج ۶، صص ۲۲۸-۲۳۸

۱۷۹. رجال النجاشی، ص ۳۲۷؛ خلاصة الأقال، ص ۲۴۰. برای مطالعه تفصیلی زندگی این راوی، رجوع شود به: اتقان المقال، ص ۱۱۲؛ الأعلام، ج ۶ و ج ۱، ص ۱۳۱؛ بهجة الآمال، ص ۲۲۷؛ التحرير الطاوسی، ص ۲۵۱؛ تنقیح المقال، ج ۲، ص ۶۱-۶۴ و ج ۳، ص ۱۱۷، جامع الرواة، ج ۲، ص ۵۰-۵۶؛ جامع المقال، ص ۱۷؛ رجال ابن داوود، ص ۱۵۹؛ رجال الکشی، ص ۱۸۴، ۲۱۱، ۲۵۲ و ۵۵۶؛ ریحانة الأدب، ج ۷، ص ۳۶۱؛ الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۱۹۱؛ مجمع الرجال، ج ۵، ص ۱۱۷، ۱۲۲ و ۲۱۲؛ معجم الثقات، ص ۱۷۱؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۵، ص ۲۸۷-۳۰۶؛ منتهی المقال، ص ۲۵۴؛ منهج المقال، ص ۲۷۵؛ نامه دانشوران، ج ۱، ص ۶۷۷؛ نقد الرجال، ص ۲۸۴؛ هداية المحلّثین، ص ۱۳۸؛ هدية العارفين، ج ۲، ص ۱۰؛ وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ أحسن التراجم، ج ۲، ص ۷۸